

راه و راه‌های عبادت عالیات  
(ویژه روحانیون و مداحان کاروان‌ها)

(۳)

کوفه

مساجد تاریخی و مزارات

داود حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

- دیباچه ..... ۹
- مقدمه ..... ۱۱
- معرفی شهر کوفه ..... ۱۱
- فضائل کوفه ..... ۱۲
- علت انتقال حکومت از مدینه به کوفه ..... ۱۳
- فصل اول: مساجد تاریخی شهر کوفه ..... ۱۹**
۱. مسجد کوفه و مقامات آن ..... ۱۹
- الف) فضیلت‌های مسجد کوفه ..... ۲۰
- یک- جایگاه مسجد کوفه نزد امام علی علیه السلام ..... ۲۰
- دو- قصر بهشتی ..... ۲۱
- سه- سجده‌گاه فرشتگان ..... ۲۲
- چهار- جایگاه بخشایش گناهان ..... ۲۲
- پنج- مصلای پیامبران ..... ۲۳
- شش - تمام بودن نماز در مسجد کوفه ..... ۲۴
- ب) اماکن مسجد کوفه ..... ۲۵

- یک - باب التعبان ..... ۲۵
- دو - محراب امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۲۷
- ج) مقام‌های مسجد کوفه در منابع روایی اولیه (کتب اربعه) ..... ۲۷
- یک - مقام ابراهیم علیه السلام ..... ۲۸
- دو - مقام جبرئیل علیه السلام ..... ۳۱
- د) اعمال مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل در کتب مزار ..... ۳۲
- یک - مقام ابراهیم علیه السلام ..... ۳۲
- دو- نماز و دعا نزد مقام جبرئیل علیه السلام ..... ۳۵
- ه) مقام‌های مسجد کوفه در کتب مزار ..... ۳۶
- یک- المزار ابن مشهدی (م ۱۰م) ..... ۳۶
- اول - مقام امام زین العابدین علیه السلام ..... ۳۷
- دوم- مقام امام صادق علیه السلام ..... ۳۸
- سوم- دکه القضاء ..... ۳۸
- چهارم - مقام توبه حضرت آدم علیه السلام ..... ۳۹
- دو- مصباح الزائر ابن طاووس (م ۶۴۴ق) ..... ۴۰
- دکه المعراج ..... ۴۰
- سه- المزار شهید اول (م ۷۸۶ق) ..... ۴۱
- بیت الطشت ..... ۴۱
- چهار- زاد المعاد علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) ..... ۴۲
- مقام حضرت نوح علیه السلام ..... ۴۲
- نتیجه گیری ..... ۴۳
۲. مسجد سهله ..... ۴۳
- الف) موقعیت مسجد سهله ..... ۴۳
- ب) فضائل مسجد سهله ..... ۴۵



- ج) آداب ورود به مسجد سهله..... ۴۷
- د) سندناسی اعمال مسجد سهله..... ۵۲
- ه) مقام‌های مسجد سهله..... ۵۴
- یک - مقام امام صادق علیه السلام..... ۵۴
- دو- مقام حضرت ابراهیم علیه السلام..... ۵۵
- سه- مقام حضرت ادریس علیه السلام..... ۵۸
- چهار- مقام حضرت خضر علیه السلام..... ۵۹
- پنج- مقام امام زین العابدین علیه السلام..... ۶۰
- شش - مقام صالحین و انبیا و مرسلین علیهم السلام..... ۶۱
- هفت - مقام امام زمان علیه السلام..... ۶۲
- و) مسجد سهله ملاقاتگاه امام زمان علیه السلام..... ۶۳
۳. مسجد زید..... ۶۹
۴. مسجد صعصعه..... ۷۲
- فصل دوم: مزارات..... ۷۵**
۱. مرقد مسلم بن عقیل علیه السلام..... ۷۵
- الف) زندگینامه مسلم..... ۷۵
- ب) فرستادن مسلم به کوفه..... ۷۶
- ج) ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه..... ۷۷
- د) قیام مسلم..... ۷۷
- ه) تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل..... ۷۸
۲. مرقد هانی بن عروه..... ۷۹
- الف) هانی بن عروه پیش از ورود مسلم به کوفه..... ۸۰
- ب) هانی بن عروه پس از ورود مسلم به کوفه..... ۸۰
- ج) تاریخچه بنای مرقد هانی..... ۸۲

۳. قبر مختار بن ابی عبیده ثقفی ..... ۸۲
- الف) مختار قبل از قیام ..... ۸۳
- ب) قیام مختار ..... ۸۴
- ج) مختار از نگاه معصومین علیهم السلام ..... ۸۵
- د) آرامگاه مختار ..... ۸۵
۴. مرقد میثم تمار ..... ۸۶
۵. مرقد زید بن علی علیه السلام ..... ۹۱
۶. مرقد خدیجه، دختر حضرت علی علیه السلام ..... ۹۳
۷. مرقد سید ابراهیم غمر ..... ۹۳
۸. نبی یونس (مقام یونس پیامبر علیه السلام) ..... ۹۴
۹. قبور سبعة (مشهد بنی الحسن علیهم السلام) ..... ۹۵
- سایر اماکن کوفه ..... ۹۶
۱. خانه امام علی علیه السلام ..... ۹۶
۲. دارالاماره کوفه ..... ۹۹
- منابع ..... ۱۰۱



## دیباچه

هر روزه خیل عظیمی از مشتاقان دیار عشق و محبت پای در رکاب می‌کنند و به سرزمین عراق جهت زیارت بهترین بندگان خدا مسافرت می‌کنند و مشتاق درس‌آموزی از حوادث، شخصیت‌ها و اماکن آن هستند تا با ره‌توشه و میراث سفر معنوی خود در بازگشت به وطن خویش، راوی قریب و بصیر این اماکن باشند و آنچه را که باچشم دل دریافته، تحفه مشتاقان راه سازند.

از آنجا که این مسافران بیشتر در قالب کاروان‌های حج و زیارت اقدام به این سفر معنوی می‌کنند و معمولاً یک روحانی و یا ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام در جمع آنان حضور دارد که زائران را با فضای معنوی، اماکن، تاریخ و شخصیت بزرگان مدفون در اعتبار مقدس آشنا می‌کند و تقویت بعد معنوی زائران را در این سفر عهده‌دار است، نیاز به آثاری که این راهنمایان راه را با دستی پر همراه زائران نماید امری ضروری و لازم است.

از این رو بر آن شدیم تا مجموعه آثاری مختصر در عین حال جامع



تحت عنوان « راه و راهنمای عتبات عالیات » برای روحانیون و مداحان کاروان‌های زیارتی اعتبار مقدس فراهم نمائیم تا با همراه داشتن این مجموعه در این سفر معنوی آنان را از همراه داشتن آثار دیگر مستغنی سازد و بتواند سفر زائران را پر بار سازد.

این اثر با عنوان «راه و راهنمای عتبات عالیات (شماره سه) کوفه» با بهره‌گیری از منابع و مآخذ ویژه‌گزینی و تجمیع ره‌آوردها از هر مکان، افزون بر اطلاعات وافی از آن، بصیرت‌ها و بینش‌های لازم را دست‌مایه روحانیون و مداحان کاروان‌های عتبات عالیات قرار می‌دهد؛ ضمن تشکر از محقق ارجمند حجت الاسلام و المسلمین آقای داود حسینی که در تدوین این اثر تلاش بسیار کردند و تشکر صمیمانه از زحمات مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای نجفی روحانی رحمته‌الله و حجت الاسلام و المسلمین آقای محمدحسین عسکری که نظارت بر این اثر را بر عهده داشتند، امیدواریم مخاطبان این اثر با آگاهی بیشتر و شناخت عمیق‌تر، یافته‌های زیارت را تعمیق ببخشند و زیارتی عالمانه و عارفانه برای زائران فراهم سازند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

## مقدمه

### معرفی شهر کوفه

بر اساس بعضی روایات، پیشینه شهر کوفه پیش از اسلام، به سجده حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام بر خاک این سرزمین<sup>۱</sup> و بعد از آن سکونت حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام و ساختن کشتی و فوران آب از تنور خانه حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام و آغاز طوفان نوح<sup>۲</sup> و زندگی دیگر پیامبران الهی در این منطقه باز می‌گردد.<sup>۳</sup> اما این شهر بر اثر حوادث طبیعی و غیر طبیعی از بین رفت تا پس از ظهور اسلام در سال ۱۷ هجری دوباره این منطقه مورد توجه قرار گرفت.

پس از حضور سپاه اسلام در منطقه مدائن و نامناسب بودن آن منطقه برای اردوگاه نظامی، سلمان فارسی و حذیفه یمانی از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور شدند منطقه مناسبی برای استقرار سپاه اسلام بیابند.

---

۱. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۴.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۰.

در حین جست‌وجو به منطقه کوفه رسیدند و آن را برای اردوگاه سپاه مناسب دیدند و سپاه اسلام از مدائن به کوفه کوچ کرد و در این منطقه مستقر شد.<sup>۱</sup> کم‌کم سپاهیان شروع به ساخت و ساز کردند و در آنجا ساکن شدند و سران قبایل اعضای قبیله خود را به این منطقه آوردند؛ در نتیجه شهر کوفه دوباره شکل گرفت.<sup>۲</sup>

در آغاز به این شهر، «کوفه الجند» می‌گفتند که به معنای «محل تجمع لشکریان» بود و بعدها این واژه خلاصه شده و به آن کوفه می‌گفتند. در سال ۳۶ هجری پس از پایان جنگ جمل، علی ع مقرر خلافت خود را از مدینه به کوفه منتقل کرد و این شهر مرکز سیاسی جهان اسلام گردید.

## فضائل کوفه

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً. فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَوَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾<sup>۳</sup> فَالْتَيْنِ الْمَدِينَةُ وَالزَّيْتُونَ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَطُورِ سَيْنِينَ الْكُوفَةُ وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ مَكَّةَ.<sup>۴</sup>

خداوند از بین شهرها چهار شهر را انتخاب کرد، آنجا که فرمود: قسم به تین و زیتون و طور سینین و آن شهر امن. تین، مدینه و زیتون، بیت‌المقدس و طور سینین، کوفه و شهر امن، مکه است.

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۴۵.

۲. همان.

۳. تین: ۱۳.

۴. شعیری، معانی الاخبار، ص ۳۶۵.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

نَمَقَّةُ دِرْهَمٍ بِالْكُوفَةِ تُحْسَبُ بِبِائَةِ دِرْهَمٍ فِيهَا سِوَاهَا وَرَكَعَتَانِ فِيهَا تُحْسَبُ بِبِائَةِ رَكْعَةٍ.<sup>۱</sup>

یک درهم صدقه در کوفه، معادل صد درهم در غیر آن و دو رکعت نماز در آن، معادل صد رکعت است.

ابن قولویه از امام باقر علیه السلام نقل می کند که کسی از ایشان پرسید: «کدام سرزمین پس از حرم خدا و رسولش افضل است؟» پاسخ فرمود:

کوفه که زکیه و طاهره است؛ در آن قبور پیامبران و اوصیای صادقین است. در آنجا مسجد سهله است که خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر آنکه در آنجا نماز گزارد و در آن عدل خداوند آشکار و استوار شده است. آنجا مکان فرود پیامبران، اوصیا و صالحان است.<sup>۲</sup>

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «کوفه حرم خدا و حرم رسول صلی الله علیه و آله و حرم علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ نماز در آن برابر است با صد رکعت نماز در جاهای دیگر».<sup>۳</sup>

## علت انتقال حکومت از مدینه به کوفه

گرچه به نظر بعضی ورود حضرت به کوفه بدین منظور نبود که آنجا را مرکز خلافت خود قرار دهد، بلکه به این دلیل که آن شهر اردوگاه

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۱۹ و ۲۳.

بزرگ نظامی بود، قصد داشت با جلب حمایت بیشتر کوفیان، آنها را برای رویارویی جدی با معاویه سازمان‌دهی کند.<sup>۱</sup> اما با توجه به عواملی که ذکر می‌شود به نظر می‌رسد که آن حضرت آگاهانه و با نیت قبلی کوفه را برای خلافت و امامت خود انتخاب کرد. حتی اگر مجبور به جنگ با پیمان‌شکنان هم نمی‌شد، مقرر حکومت اسلامی را به کوفه منتقل می‌کرد.

در این زمان حکومت امام موقعیتی ویژه یافته بود؛ امام عملاً با عراق و شام رویارو شده بود که این مشکل در زمان خلفای قبلی نبود. امام ع باید مرکزی را برای حکومت برمی‌گزید که در برابر عراق و شام کارآمدی می‌داشت. دلایلی اثبات می‌کند که مدینه قابلیت برای مرکزیت خلافت نداشت:

۱. از نظر اقتصادی محیط حجاز تحمل رویارویی با عراق یا شام را نداشت. مدینه، که بهترین نقطه حجاز به شمار می‌رفت، به درستی توانایی سیر کردن مردم خویش را نداشت. اکنون چگونه می‌توانست سپاهی عظیم را تغذیه کند؟!

۲. مدینه از نظر نیروی انسانی تحمل یک جنگ تمام‌عیار با شام را نداشت. حداکثر آماري که از سپاه مدنی همراه امام در جنگ جمل ذکر شده، چهار هزار نفر است.<sup>۲</sup> چنین جمعیتی قادر نبود مشکلات خلافت را در مواجهه با دشمنان فراوانش حل کند.

۱. جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۱۴۶.

۲. دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱، ص ۴۶۲.

۳. خواص این شهر، کسانی چون عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، محمد بن مسلمه، زید بن ثابت و بسیاری دیگر، کوچک‌ترین علاقه‌ای به امام نداشتند و خود را مجتهدتر از امام می‌دانستند.

۴. رفاه‌طلبی بیش از حد مردم این شهر، که در دوره خلفای پیشین به آن مبتلا شده بودند، روحیه جنگی برای آنان باقی نگذاشته بود. عمر و به ویژه عثمان، با اعطای امتیازات بسیار به چهره‌های مشهور و مهم دوران جاهلیت، که ایمان آنها برای بسیاری مشکوک بود، حمایت قریش را جلب کردند.

از طرف دیگر عمده مردم مدینه هم از آن شهر مهاجرت کرده بودند. از این رو است که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام از مدینه به قصد رویارویی و نبرد با پیمان‌شکنان حرکت کرد، تعداد کل مردمی که از مدینه، مرکز خلافت، با او راهی جبهه بصره شدند، بیش از چهارصد یا هفتصد نفر نبودند.<sup>۱</sup>

به طور کلی باید گفت مشکلاتی که امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمان با مردم مدینه داشتند، دقیقاً شبیه همان شرایطی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در رویارویی با مردم مکه در پیش رو می‌دید. اگر آن زمان خائنان به پیامبر صلی الله علیه و آله یهودیان و چهره‌های شناخته شده آنان بودند، در این زمان مخالفان امام میان مردم می‌زیستند و از تمام جزئیات و اسرار آنان اطلاع داشتند. لذا انتخاب مدینه برای مرکزیت خلافت، قرار دادن تمامی اسرار نظامی و سیاسی در دست دشمنان و قرار دادن حکومت در معرض

سقوط و از هم پاشیدگی بود. در مقابل کوفه از امتیازات خاصی برخوردار بود که عبارتند از:

۱. از نظر اقتصادی، سواد عراق مهم‌ترین منبع درآمد این خطه بود. به علاوه خراج و جزیه فراوانی از ایران و عراق در دست مسلمانان بود که ثروتی بی‌اندازه محسوب می‌شد.

۲. کوفه از نظر کثرت جمعیت و نزدیکی به مناطق پرجمعیت، توانایی مقابله با هر تجاوزی را داشت.

۳. تعداد بسیاری از صحابه و برگزیدگان آنها در کوفه حضور داشتند؛ به گونه‌ای که در سال ۳۶ قمری، که امیرالمؤمنین علیه السلام به منظور رویارویی با ناکثین از مدینه حرکت کرد، چهارصد صحابی از مهاجر و انصار، که هفتاد نفر از اصحاب بدر میان آنان بودند<sup>۱</sup>، پس از جنگ جمل با حضرت در کوفه فرود آمدند. تنها در جنگ صفین ۲۸۰۰ تن از صحابیان مقیم کوفه همراه علی علیه السلام بودند.<sup>۲</sup> در واقع کثرت حضور اصحاب باسابقه پیغمبر صلی الله علیه و آله در کوفه بیش از هر نقطه دیگر عالم اسلام بود و از این رو «کوفه» نسبت به سایر شهرهای معتبر جهان اسلام (حتی مدینه) موقعیت ممتازی یافته بود.

عمده سرشناسان عرب در این منطقه سکنا گزیده بودند؛ میان مهاجران به کوفه، گذشته از صحابه، بسیاری از قبایل حجاز نیز به همراه سرشناسان و مشاهیر آن قبیله‌ها به کوفه آمدند. از این مهم‌تر مهاجرت

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲. همان، ص ۳۶۱.



برگزیدگان یمن و قبیله‌های مشهور آن خطّه بود که اکثریت اهالی عرب شهر را اینان تشکیل می‌دادند. نکته مهم در مورد یمنی‌ها این است که بیشتر آنها از قبل با امیرالمؤمنین علیه السلام آشنایی داشتند و بعدها از یاران برجسته او شدند؛ کسانی همچون مالک اشتر، کمیل بن زیاد، حارث همدانی و... همچنین از منطقه حضرموت و دیگر مناطق مجاور یمن نیز نخبگان و ملوکی به کوفه نقل مکان کرده بودند.<sup>۱</sup>

به تدریج کوفه رونق سیاسی، علمی و تجاری فراوانی پیدا کرد و یکی از مراکز مهم علمی و سیاسی جهان اسلام گردید و جمعیت آن را، که بیشتر ایرانیان تشکیل می‌دادند، بالغ بر یک میلیون نفر تخمین زده‌اند.

در دوران اموی‌ها، علی‌رغم انتقال پایتخت به شهر دمشق، این رونق ادامه داشت؛ اما با به قدرت رسیدن عباسی‌ها، پایتخت در سال ۱۳۲ قمری به شهر هاشمیه و سپس به بغداد منتقل شد و روزه‌روز از اهمیت کوفه کاسته شد. بنا به گفته جهانگرد معروف، ابن‌جیر، که در سال ۵۸۰ قمری از آن دیدن کرده بود، شهر در آن زمان رو به ویرانی بود.

امروزه شهر کوفه موقعیت پیشین خود را از دست داده و به عنوان یک بخش از توابع شهر نجف شمرده می‌شود و فاصله دو شهر هشت کیلومتر است که تقریباً به یکدیگر متصل‌اند. این شهر به علت موقعیت جغرافیایی‌اش نسبت به نجف آب و هوای ملایم و خنک‌تری دارد.



## فصل اول: مساجد تاریخی شهر کوفه

### ۱. مسجد کوفه و مقامات آن



طبق بعضی از روایات، نخستین کسی که مسجد کوفه را تأسیس کرد حضرت آدم علیه السلام بود. امام صادق علیه السلام درباره تعیین حدود مسجد توسط حضرت آدم علیه السلام می‌فرماید: «حَدُّ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ آخِرُ السَّرَّاجِينَ خَطَّهُ آدَمُ علیه السلام وَ أَنَا أَكْزَرُهُ أَنْ أَدْخُلَهُ رَاكِباً!»؛ «حد مسجد کوفه آخر بازار سراجان<sup>۲</sup> است، این همان

۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. زین فروشان.

مقداری است که حضرت آدم علیه السلام با علامت نشان کرد یا حصار کشید و من دوست ندارم سواره به آنجا وارد شوم». بنا بر این قول، مسجد کوفه به مرور زمان تخریب شده است.

در دوره اسلام نیز این مسجد در سال ۱۷ قمری ساخته شد. چنان‌که گذشت، سلمان و حدیفه به جهت بدی آب و هوای مدائن، کوفه را برای استقرار لشکریان برگزیدند. هنگامی که آنجا رسیدند، دو رکعت نماز خواندند و از خدا خواستند آنجا را جایگاه آرامش و استواری قرار دهد.<sup>۱</sup> هنگامی که سعد بن ابی وقاص همراه لشکریان به سرزمین کوفه رسید، دستور داد پیش از ساختن هر بنایی، مسجدی بسازند. ابوهیجاء اسدی<sup>۲</sup> در مکانی ایستاد و بر هر طرف تیری انداخت. به این صورت حدود مسجد کوفه مشخص شد.<sup>۳</sup>

مسجد کوفه کنونی به طول ۱۱۰ متر و عرض ۱۱۶ متر؛ صحنی وسیع و بدون سقف و دیواری عظیم و مرتفع دارد؛ همانند برج و باروهای شهرهای کهن که در دوران عضدالدوله دیلمی ساخته شده است. این مسجد گنجایش چهل هزار نفر را دارد.

## الف) فضیلت‌های مسجد کوفه

### یک- جایگاه مسجد کوفه نزد امام علی علیه السلام

اصبغ بن نباته می‌گوید، امیرالمؤمنین علیه السلام در جمع مردم کوفه فرمود:

۱. ابن اثیر، تاریخ ابن اثیر، ترجمه دکتر محمدحسن روحانی، ج ۴، ص ۱۴۴۸.

۲. جبوری، تاریخ الکوفه، ج ۱، ص ۶۴.

۳. گلی زواره، سیمای کوفه، ص ۱۹۸.

خداوند چیزی را به شما بخشیده که به کس دیگر نداده است؛ خداوند این نمازگاهتان را برتری ویژه‌ای بخشید.<sup>۱</sup> این (مسجد کوفه)، خانه آدم، جایگاه نوح، منزلگاه ادريس و مصلاي ابراهيم خليل و برادر م خضر عليه السلام و نمازگاه من است.<sup>۲</sup> مسجد شما یکی از چهار مسجدی است که خداوند آن را برای اهلش برگزیده است. گویی آن را می‌بینم که فردای قیامت، با دو جامه سفید، وارد محشر می‌شود و کسانی را که در آن نماز خوانده‌اند، شفاعت می‌نماید و شفاعتش از جانب خدا رد نخواهد شد؛<sup>۳</sup> در آینده حجرالاسود در آن نصب خواهد شد. زمانی می‌رسد که همین مسجد، نمازگاه مهدی عليه السلام،<sup>۴</sup> فرزندم و نمازگاه هر مؤمنی می‌شود. در روی زمین مؤمنی نیست مگر اینکه وارد شود و به آن دل ببندد. مبادا آن را ترک و مهجورش کنید. در آن نماز بخوانید و با آن نماز به خدا نزدیک شوید و حوائج خویش را از خدا بخواهید. اگر مردم به فضیلت این مسجد آگاه بودند، از اکناف جهان به سوی آن می‌شتافتند؛ اگرچه به خزیدن بر روی برف باشد.<sup>۴</sup>

## دو- قصر بهشتی

در بعضی روایات از مسجد کوفه به عنوان «قصری از بهشت» یاد

شده است. امام علی عليه السلام می‌فرماید:

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۸۹.

أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ ﷺ وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ.<sup>۱</sup>

چهار چیز از قصرهای بهشت در دنیا است: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد بیت المقدس، مسجد کوفه.

### سه- سجده گاه فرشتگان

در روایات آمده است که پیش از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرشتگان در این مکان مقدس عبادت می کردند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید:

أَوَّلُ بُعْثَةِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهَا، ظَهَرَ الْكُوفَةَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لِآدَمَ، سَجَدُوا عَلَى ظَهْرِ الْكُوفَةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ.<sup>۲</sup>

نخستین مکانی که خدا در آن پرستش شد پشت کوفه است. هنگامی که خداوند فرشتگان را دستور داد برای آدم سجده کنند، در پشت کوفه سجده کردند. همانا فرشتگان در هر شب به مسجد کوفه فرود می آیند.

### چهار- جایگاه بخشایش گناهان

مسجد کوفه نزد خداوند از چنان جایگاهی برخوردار است که اگر کسی وارد آن شود، گناهانش آمرزیده می شود. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ از شخصی پرسید کجا زندگی می کنی؟ پاسخ داد، در کوفه. امام درباره فضیلت

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۸۲.

۲. جبوری، تاریخ الكوفة، ص ۵۷.

مسجد کوفه به او فرمود:

فَإِنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ بَيْتٌ نُوحٍ، لَوْ دَخَلَهُ رَجُلٌ مِائَةَ مَرَّةٍ لَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ مَغْفِرَةٍ، أَمَا إِنَّ فِيهِ دَعْوَةَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ قَالَ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا»<sup>۱</sup>.

همانا مسجد کوفه خانه نوح علیه السلام است؛ اگر کسی صدبار به آن داخل شود خداوند صد آمرزش برای او می نویسد. همانا تبلیغ نوح علیه السلام در آن صورت گرفته که گفت: «پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و تمام کسانی که با ایمان داخل خانه من شدند را ببامرز».

### پنج- مصلای پیامبران

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان درباره مسجد کوفه

فرمود:

نِعْمَ الْمَسْجِدُ، مَسْجِدُ الْكُوفَةِ، صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَأَلْفُ وَصِيٍّ وَمِنْهُ فَارَ التَّنُورُ وَفِيهِ نُجْرَتِ السَّفِينَةِ، مَيْمَنَتُهُ رِضْوَانُ اللَّهِ وَوَسَطُهُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ<sup>۲</sup>.

چه خوب مسجدی است، مسجد کوفه؛ هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در آن نماز خوانده است. تنور از او جوشید و کشتی در آن ساخته شد؛ جانب راستش رضایت الهی و میانه اش باغی از باغ های بهشت و جانب چپش مکر است.

۱. جبوری، تاریخ الكوفة، ص ۲۸۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۲.

## شش - تمام بودن نماز در مسجد کوفه

وقتی شخصی به مکانی مسافرت کند و قصد ده روز نکند، نمازش شکسته است؛ مگر چهار مکان که استثنا شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید:

تَمَّ صَلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.<sup>۱</sup>

نماز در چهار جا تمام است: «مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ».

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره فضیلت نماز در مسجد کوفه می فرماید: «اگر مردم می دانستند مسجد کوفه چه فضیلتی دارد، از مکان های دور به آنجا می رفتند. همانا خواندن نماز واجب در آنجا، برابر با حج و نماز نافله، برابر عمره است».<sup>۲</sup>

همچنین امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید:

النَّافِلَةُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ تُعَدُّ عُمْرَةً مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ الْفَرِيضَةُ تُعَدُّ حَجَّةً مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.<sup>۳</sup>

نماز نافله در این مسجد برابر است با عمره همراه پیامبر و نماز واجب برابر است با حج همراه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶.

۲. مشهدی حائری، فضل الكوفة و مساجدها، ص ۲۸.

۳. طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۲.



## ب) اماکن مسجد کوفه

## یک - باب الثعبان



یکی از درهای ورودی مسجد کوفه معروف است به باب الثعبان «در اژدها». فلسفه نامگذاری به این نام چنین است که جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بالای منبر مسجد کوفه در حال خواندن خطبه بود، اژده‌هایی (مار بزرگی) از یکی از درهای مسجد کوفه وارد مسجد شد. تا چشم مردم به آن افتاد به سوی آن هجوم بردند تا آن را بکشند. امیرالمؤمنین علیه السلام فریاد زد: «او را رها کنید». اژدها خزید و خود را به منبر رسانید و بر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد. هنگامی که خطبه حضرت تمام شد، رو به او کرد و فرمود: «تو کیستی؟» او گفت: من عمرو بن عثمان هستم؛ فرزند جانشین شما بر جن‌ها.

پدرم (عثمان) مرده و به من وصیت کرد که نزد شما بیایم و نظر شما را درباره جانشین او جويا شوم». امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: «برگرد و جانشین پدرت در میان جن باش. تو جانشین من بر جن ها هستی». عمرو (اژدها) با امیرالمؤمنین علیه السلام خداحافظی کرد و از مسجد بیرون رفت.<sup>۱</sup>

به خاطر ورود ثعبان (اژدها) از این در به مسجد کوفه، این در به «باب ثعبان» شهرت پیدا کرد. در زیارت مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام در روز هفده ربیع الاول در یکی از فرازهای این زیارت آمده است: «السلام علیک یا من خاطب الثعبان»؛<sup>۲</sup> «سلام بر تو ای کسی که اژدها را مخاطب قرار داد».

اما بنی امیه برای حذف نام و یاد امیرالمؤمنین علیه السلام از اذهان مردم، شیوه های مختلف شیطانی به کار بردند تا به اهداف شوم خود نائل شوند. یکی از کارهای آنها جعل احادیث و فضیلت سازی برای خود و تنقیص امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب او بود. از دیگر کارهای آنها ممنوع کردن ذکر فضائل حضرت و سب و ناسزاگویی به حضرت بود. یکی از کارهایی که در زمینه زدودن نام امیرالمؤمنین علیه السلام از اذهان انجام دادند، این بود که یک فیل را مدتی جلوی باب الثعبان مسجد کوفه بستند. بعد از مدت کوتاه هرکس می خواست در مسجد را معرفی کند، می گفت «باب الفیل»؛ دری که جلو آن فیل بسته اند. این نام آن قدر تکرار شد که «باب الثعبان»، که

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ۳۹۶؛ مجلسی مضمون این حدیث را متواتر می داند. (مجلسی، مرآة

العقول، ج ۴، ص ۲۹۵).

۲. ابن مشهدی، مزار الکبیر، ص ۲۰۷.



مقام در لغت یعنی جایگاه و در اصطلاح به مکان‌هایی گفته می‌شود که اولیا و بزرگان دین در آنجا یا قدم گذاشته‌اند<sup>۱</sup> و نماز خوانده‌اند و یا زندگی کرده‌اند.<sup>۲</sup> در مسجد کوفه مکان‌هایی است که گفته می‌شود فضیلت خاصی دارند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره موقعیت‌های مسجد کوفه فرمود: «بَيْتِ آدَمَ وَ بَيْتِ نُوحٍ وَ بَيْتِ إِدْرِيسَ وَ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ الْحَلِيلِ وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ عليه السلام وَ مُصَلَّى»<sup>۳</sup>. در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: «در این مسجد عصای موسی، درخت کدو (بوته کدویی که بر حضرت یونس بعد از بیرون افتادن از شکم ماهی سایه افکند) و انگشتر سلیمان علیه السلام قرار دارد. از اینجا آب از تنور فوران کرد و کشتی نوح علیه السلام به حرکت در آمد»<sup>۴</sup>.

در منابع روایی معتبر شیعه از دو مقام یاد شده است که یا به آن مقام تصریح شده یا از سیره بعضی از معصومین علیهم السلام در توجه به آن مکان و نماز خواندن در آن اشاره شده است.



### یک - مقام ابراهیم علیه السلام

۱. بقره: ۱۲۵.

۲. نام‌گذاری مقامات مسجد سهله به مناسبت زندگی بعضی از پیامبران در آن است.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶۶۶؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

یکی از مقاماتی که در روایات شیعه به آن اشاره شده ستون حضرت ابراهیم علیه السلام است که در کتاب‌های زیارات، به مقام حضرت ابراهیم علیه السلام تعبیر می‌شود. سفیان بن سیمط می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که از درِ دوم از طرف راست مسجد [کوفه] وارد شدی، پنج ستون را بشمار؛ دو ستون از آنها زیر سقف و سه تای آنها در صحن مسجد قرار دارد. سومین ستون از جانب دیوار، که پنجمین ستون است، نمازگاه حضرت ابراهیم علیه السلام است.<sup>۱</sup>

نیز سفیان بن سیمط می‌گوید: ابو عبدالله (امام صادق علیه السلام) زمان سفاح (اولین خلیفه عباسی) به کوفه آورده شد، هنگامی که وارد مسجد کوفه شد، نزد ستون چهارم محاذات ستون پنجم، نماز خواند. به حضرت عرض کردم: «این ستون ابراهیم علیه السلام است؟» فرمود: «بله».<sup>۲</sup>

این روایت از نظر سند صحیح است. روایات دیگری هم اگر چه از نظر سند در این حد نیستند، ولی مؤید مضمون آن هستند.<sup>۳</sup> بنابر محتوای این روایات می‌توان گفت نماز خواندن کنار آن مستحب، و از فضیلت و

۱. «إِذَا دَخَلْتَ مِنَ الْبَابِ الثَّانِي فِي مَيْمَنَةِ الْمَسْجِدِ فَعَدَّ حَسَّ أَصَاطِينِ ثِنْتَيْنِ مِنْهَا فِي الظَّلَالِ وَ ثَلَاثَةَ فِي الصَّحْنِ فَعِنْدَ الثَّالِثَةِ مَضَىٰ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ هِيَ الْخَامِسَةُ مِنَ الْحَائِطِ» (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۳)

۲. «فَلَمَّا كَانَ أَيَّامَ أَبِي الْعَبَّاسِ دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِنْ بَابِ الْفِيلِ فَنَاسَرَ حِينَ دَخَلَ مِنَ الْبَابِ فَصَلَّىٰ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الرَّابِعَةِ وَ هِيَ بِجَدَاءِ الْخَامِسَةِ فَقُلْتُ أَفَيْلِكَ أُسْطُوَانَةُ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام فَقَالَ لِي نَعَمْ» (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۱)

۳. «الْأُسْطُوَانَةُ السَّابِعَةُ مِمَّا لِي أَبْوَابِ كِنْدَةَ فِي الصَّحْنِ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام» (من لا يحضره الفقيه،

ثواب کامل برخوردار است؛ چرا که در غیر این صورت، وجهی نداشت امام علیه السلام مکان دقیق آن را تعیین کنند و کنار آن نماز بخوانند.<sup>۱</sup> در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده، حضرت به بعضی از یاران خود نماز خواندن در کنار مقام ابراهیم علیه السلام را توصیه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

با توجه به مجموعه روایات وارده یکی از مقامات مسجد کوفه مقام ابراهیم علیه السلام است و نماز خواندن در کنار مقام ابراهیم علیه السلام مستحب است. اما آنچه از اعمال مقام‌های مسجد کوفه گفته شده، در منابع روایی معتبر، به جز نماز خواندن معصومین علیهم السلام چیز خاص دیگری بیان نشده است؛ حتی به تعداد رکعات هم اشاره نشده است. در روایت سفیان بن سیمط، وی نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام در کنار ستون چهارم نماز خواند.<sup>۳</sup> همچنین در حدیث اصبح بن نباته از ابو حمزه ثمالی آمده است که امام حسن علیه السلام در این مکان نماز می‌خواند.<sup>۴</sup> اما اینکه اعمال این مقام‌ها چند رکعت است و چه دعایی خوانده شود، در کتب اربعه معتبر شیعه مطلبی وجود ندارد.

ابن مشهدی از ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام را دید که در کنار ستون هفتم چهار رکعت نماز خواند.<sup>۵</sup> اما همین روایت را شیخ

۱. ساجدی «بررسی فقهی و حدیثی اعمال مسجد کوفه و سهله»، فصلنامه فرهنگ زیارت، ش ۳۲، ص ۱۴۷.

۲. ابن مشهدی، مزار الکبیر، ص ۱۶۷.

۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۳.

۵. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۶۸.

صدوق در امالی مسنداً از ابوحمزه نقل می‌کند و در آن به تعداد رکعات امام اشاره‌ای نمی‌کند. همچنین ابن مشهدی می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در کنار مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز بخوانید»<sup>۱</sup>.

## دو - مقام جبرئیل علیه السلام

از مقام‌های دیگر مسجد کوفه که در روایات به آن اشاره شده، مقام جبرئیل علیه السلام است.

سهل بن زیاد در روایت مرفوعه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت در معرفی مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام فرمود:

الْأَسْطُوَانَةُ السَّابِعَةُ مِمَّا بَلِي أَبْوَابَ كِنْدَةَ فِي الصَّحْنِ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ  
الْحَامِسَةُ مَقَامُ جَبْرَائِيلَ علیه السلام.<sup>۲</sup>

ستون هفتم از ستون‌هایی که نزدیک باب کنده در صحن مسجد وجود دارد مقام ابراهیم علیه السلام، و ستون پنجم مقام جبرئیل است.

در روایت دیگر، حماد بن زید حارثی می‌گوید: نزد جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) بودم خانه پر از اهل کوفه بود. مردی از کوفیان از امام علیه السلام درباره نماز در مسجد کوفه سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود:

آتِهِ، فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ لَأَتَوْهُ وَلَوْ حَبَوًّا، قَالَ: إِيَّيْ أَشْتَغِلُّ، قَالَ: فَأَتَيْهِ  
وَلَا تَدْعُهُ مَا أَمْكَنَكَ وَ عَلَيْكَ بِمِيَامِنِهِ مِمَّا بَلِي أَبْوَابَ كِنْدَةَ، فَإِنَّهُ مَقَامُ

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۶۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۳.

إِبْرَاهِيمَ، وَ عِنْدَ الْخَامِسَةِ مَقَامُ جِبْرِئِيلَ، وَالَّذِي نَفْسِي- بِيَدِهِ لَوْ يَعْلَمُ  
النَّاسُ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَعْلَمُوا لَأَزْدَحُمُوا عَلَيْهِ.<sup>۱</sup>

به مسجد کوفه بیا! اگر مردم می دانستند مسجد کوفه چه جایگاهی دارد به سوی آن می رفتند؛ اگر چه با سینه خیز. راوی عرض کرد: «من مشغول کار هستم (نمی توانم در این مسجد حاضر شوم)». امام صادق علیه السلام فرمود: «به این مسجد بیا و آن را ترک نکن. بر تو باد بر جانب راست مسجد، نزدیک درهای کنده؛ که مقام ابراهیم علیه السلام و نزد ستون پنجم مقام جبرئیل علیه السلام است. قسم به کسی که جانم در دست اوست اگر مردم آنچه را من از این مسجد می دانم، می دانستند، یقیناً بر آن هجوم می بردند.

در این دو روایت به مقام جبرئیل اشاره شده است. اگر چه روایت اول از نظر سند مرفوع است و روایت دوم هم سند ندارد، اما با روایات دیگر، که مقام ابراهیم علیه السلام را تعیین کرده اند، می توان وجود مقام جبرئیل را در مسجد کوفه مستند به روایات پذیرفت.

#### د) اعمال مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل در کتب مزار

##### یک - مقام ابراهیم علیه السلام

چهار رکعت نماز می خوانی، دو رکعت با حمد و توحید و دو رکعت بعدی با حمد و سوره قدر. بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا علیه السلام را می گویی.

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۲۹.



- ابن مشهدی این دعا را برای مقام ابراهیم علیه السلام نقل کرده است:

السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ  
وَجَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ [مُرْسَلِينَ]، وَحُجَّةَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَامٌ  
عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ... ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ.

سپس بگو:

نَحْنُ عَلَى وَصِيَّتِكَ يَا وَليَ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ  
وَالصَّادِقِينَ، نَحْنُ مِنْ شِيعَتِكَ وَشِيعَةِ نَبِيِّكَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
وَعَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَمَلَّةِ إِبْرَاهِيمَ، وَدِينِ مُحَمَّدٍ  
النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَالْأُمَّةِ الْمُهْدِيَّةِ، وَوَلَايَةِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى  
الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَى وَصِيِّهِ  
وَخَلِيفَتِهِ وَحُجَّتِهِ، الشَّاهِدِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الصَّادِقِ  
الْأَكْبَرِ، وَالْفَارُوقِ الْمُبِينِ، الَّذِي أَخَذَتْ بَيْعَتُهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَرَضِيَتْ بِهِمْ  
أَوْلِيَائِي وَمَوَالِيَّ وَحُكَّامًا، فِي نَفْسِي وَوُلْدِي، وَأَهْلِي وَمَالِي، وَقَسَمِي وَحِلِّي  
وَإِحْرَامِي، وَإِسْلَامِي وَدِينِي، وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي. أَنْتُمْ الْحِكْمَةُ  
فِي الْكِتَابِ، وَفَضْلُ الْمَقَامِ، وَفَضْلُ الْخُطَابِ، وَأَعْيُنُ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ،  
وَأَنْتُمْ حُكْمَاءُ اللَّهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ اللَّهُ، وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،  
وَأَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا. أَنْتُمْ سُنَّةُ اللَّهِ يَسْبِقُ بِهَا الْقَضَاءُ بِأَمِيرِ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ تَسْلِيمًا، وَعَلَيْكَ مُهَيِّمٌ سَلَامًا، لَا أَشْرِكُ بِاللَّهِ رَبًّا  
وَلَا أَتَّخِذُ وَلِيًّا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي بِكُمْ وَمَا كُنْتُ لِأَهْتَدِي لَوْ لَا أَنْ  
هَدَانَا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا.<sup>۱</sup>

همچنین در روایت دیگری که ابن مشهدی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، حضرت به بعضی از یاران خود فرمود:

نزد ستون پنجم، که مصلاى حضرت ابراهیم علیه السلام است، دو رکعت نماز بخوانید و سپس بگویید:

السَّلَامُ عَلَى آبِينَا آدَمَ وَأُمَّنَا حَوَّاءَ، السَّلَامُ عَلَى هَابِيلَ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا وَ  
عُدْوَانًا عَلَى مَوَاهِبِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ. السَّلَامُ عَلَى شَيْثِ صَفْوَةِ اللَّهِ الْمُخْتَارِ  
الْأَمِينِ، وَعَلَى الصَّفْوَةِ الصَّادِقِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، أَوْلَهُمْ وَأَخْرَجَهُمْ،  
السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ  
الْمُخْتَارِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،  
وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ فِي الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْأُئِمَّةِ  
الْمُهَادِينَ، شُهَدَاءِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ عَلَى الْأُمَّمِ اللَّهُ  
رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْتُبْنِي عِنْدَكَ مِنَ الْمَقْبُولِينَ وَ  
اجْعَلْنِي مِنَ الْفَائِزِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.<sup>۱</sup>

دعای امام سجاد علیه السلام در کنار مقام ابراهیم علیه السلام

ابوحمزه ثمالی روایت می‌کند که امام سجاد علیه السلام این دعا را بعد از

نماز در کنار مقام ابراهیم علیه السلام خواندند:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ  
الْإِيَابُ بِكَ مَتَا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَتَا بِهِ مِنِّي عَلَيْكَ وَ لَمْ أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ

۱. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۱۶۷.

الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ لَمْ أَدْعُ لَكَ وَلَدًا وَ لَمْ أَخْزِدْ لَكَ شَرِيكًا مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنَّا  
 مِنِّي عَلَيْكَ وَ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءٍ عَلَى غَيْرِ مُكَاتَرَةٍ مِنِّي وَ لَا مُكَابَرَةٍ وَ لَا  
 اسْتِكْبَارٍ عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا جُحُودٍ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ لَكِنِ اتَّبَعْتُ الْهُوَى وَ  
 أَرْزَلَنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَ الْبَيَانِ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي [فَبِدُنُوبِي] غَيْرَ ظَالِمٍ لِي وَ  
 إِنْ تَرَحَّمْنِي فَبِجُودِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>

سپس به سجده رفت و آن قدر «یا کریم» را تکرار کرد تا نفس

مبارکش قطع شد.

همچنین در سجده این دعا را می خواند:

يَا مَنْ يَقْدُرُ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ صَمِيرَ الصَّامِتِينَ، يَا  
 مَنْ لَا يَخْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ،  
 يَا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذَابَ عَلَى قَوْمِ يُونُسَ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ فَدَعَاؤُهُ وَ  
 تَضَرُّعُوا إِلَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ، وَ مَتَّعَهُمْ إِلَى حِينٍ. قَدْ تَرَى مَكَانِي،  
 وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ تَعْلَمُ حَاجَتِي، فَكُفِّنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَ  
 دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي.<sup>۲</sup>

و هفتاد بار در سجده فرمود: «يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي».<sup>۳</sup>

## دو- نماز و دعا نزد مقام جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام

اگر چه در روایاتی که ذکر شد از اعمال خاصی برای این مقام سخن به  
 میان نیامده است، اما علامه مجلسی در بحار الانوار از سید بن طاووس نقل

۱. صدوق، الأمالی، ص ۲۱۳- ۲۱۲.

۲. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۱۶۸.

کرده است: نزد ستون پنجم دو رکعت نماز می‌خوانی به هر سوره‌ای که خواستی. بعد از سلام و تسبیحات فاطمه زهراء علیها السلام این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَا نَعْلَمُ  
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ  
بِهِ أَجَبْتَهُ وَمَنْ سَأَلَكَ بِهِ أُعْطِيْتَهُ وَمَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ وَ  
مَنْ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ غَفَرْتَ لَهُ وَمَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ أَعْتَنَتْهُ وَمَنْ اسْتَرْزَقَكَ  
بِهِ رَزَقْتَهُ وَمَنْ اسْتَعَاذَكَ بِهِ أَعَاذْتَهُ وَمَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ وَمَنْ  
اسْتَجَارَكَ بِهِ أَجَرْتَهُ وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ وَمَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهِ  
عَصَمْتَهُ وَمَنْ اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ أَنْقَذْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعَطَفَكَ بِهِ تَعَطَّفْتَ  
لَهُ وَمَنْ أَمَلَكَ بِهِ أُعْطِيْتَهُ الَّذِي اتَّخَذَتْ بِهِ آدَمَ صَفِيًّا وَ نُوحًا نَجِيًّا وَ  
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَ مُوسَى كَلِيمًا وَ عِيسَى رُوحًا وَ مُحَمَّدًا حَبِيبًا وَ عَلِيًّا وَصِيًّا  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي وَ تَعْفُو عَمَّا سَلَفَ مِنْ  
ذُنُوبِي وَ تَنْفِضَ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَجْمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ لِلدُّنْيَا وَ  
الْآخِرَةِ يَا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمُهْمُومِينَ وَ يَا غِيَاثَ الْمُلهُوفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.<sup>۱</sup>

ه) مقام‌های مسجد کوفه در کتب مزار

یک- المزار ابن مشهدی (م ۱۰۶ق)

مقام‌هایی که اولین بار ابن مشهدی از آنها یاد کرده است،

عبارت‌اند از:

اول - مقام امام زین العابدین علیه السلام

ابن مشهدی می گوید: دو رکعت نماز در این مقام می خوانی، بعد از نماز این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ كَثُرَتْ وَ لَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكَ الْحُرْمَانَ إِلَيْكَ فَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ وَ أَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ اللَّهُمَّ إِنَّ تَعَذُّبِي فَبِذُنُوبِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئاً وَ إِنَّ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ أَنْتَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ وَ أَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَنْزَ الضُّعَفَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُقَدِّدَ الْعُرْقَى يَا مُنْجِي الْهَلَكَى يَا مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ نُورُ الْقَمَرِ وَ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ حَفَقَانُ الطَّيْرِ فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بَحَقِّكَ يَا كَرِيمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ صَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ وَ اغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ آمَنْمُ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ كَمَا أَتَمَمْتَهَا عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلُ يَا كَهْبِعَصَ اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فَبِنَا سَأَلْتُكَ.

سپس گونه راست خود را بر سجده بگذار و بگو: «يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي اغْفِرْ لِي اغْفِرْ لِي». سپس گونه چپ خود را بر سجده بگذار و همین ذکر را بگو و در تکرار این ذکر با حالت خشوع بکوش.<sup>۱</sup>

### دوم- مقام امام صادق عليه السلام

از مقاماتی که ابن مشهدی در مسجد کوفه معرفی می‌کند، مقام امام صادق عليه السلام است و در اعمال آن می‌گوید:  
دو رکعت نماز در مقام امام صادق عليه السلام می‌خوانی و بعد از نماز این دعا را می‌خوانی:

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، يَا حَاضِرَ كُلِّ مَلَأٍ، يَا شَاهِدَ  
كُلِّ نَجْوَى، يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، يَا شَاهِدَ غَيْرِ غَائِبٍ، وَيَا غَالِبَ غَيْرِ  
مَغْلُوبٍ، وَيَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، وَيَا مُؤَنِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ، وَيَا حَيِّ حِينَ لَا  
حَيَّ غَيْرُهُ، يَا مُخَيِّبَ الْمَوْتَى وَ مُمَيِّتَ الْأَحْيَاءِ، الْقَائِمَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا  
كَسَبَتْ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.<sup>۲</sup>

### سوم- دَکَّةُ الْقَضَاءِ

همچنین ابن مشهدی به محلی اشاره می‌کند که گفته شده محل قضاوت‌های امیرالمؤمنین عليه السلام بوده است.  
دو رکعت نماز در این مقام می‌خوانی و سپس این دعا را می‌خوانی:

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۶۷.

يَا مَالِكِي وَ مُمْلَكِي وَ مُعْتَمِدِي بِالنَّعْمِ الْجِسَامِ بَغَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ،  
 وَ جَهِي خَاضِعٌ لِمَا تَعْلُوهُ الْأَقْدَامُ لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، لَا تُجْعَلْ  
 هَذِهِ الضُّغْطَةَ الشَّدِيدَةَ، وَ لَا هَذِهِ الْمُحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِصَالِ الشَّافَةِ،  
 وَ ائْتَحْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ يَمْنَحْ بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ. إِنَّكَ الْقَدِيمُ  
 الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي مَا  
 أَنْتَ أَهْلُهُ!¹

### چهارم - مقام توبه حضرت آدم عليه السلام

ابن مشهدی می گوید: «هنگامی که از جانب راست از در دوم  
 وارد مسجد شدی پنج ستون را بشمار (دو ستون در سایه و سه ستون  
 در صحن دیوار) در آنجا نماز بخوان.² این مقام به مقام توبه  
 حضرت آدم عليه السلام مشهور است».

### اعمال مقام توبه حضرت آدم عليه السلام

السَّلَامُ عَلَيَّ أَيْنَا آدَمَ وَ أُمَّنَا حَوَاءَ، السَّلَامُ عَلَيَّ هَابِيلَ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا وَ  
 عَدْوَانًا عَلَيَّ مَوَاهِبِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ شِيثَ صَفْوَةَ اللَّهِ الْمُخْتَارِ  
 الْأَمِينِ، وَ عَلَيَّ الصَّفْوَةَ الصَّادِقِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، أَوْلَهُمْ وَ آخِرِهِمْ.  
 السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ عَلَيَّ ذُرِّيَّتِهِمُ  
 الْمُخْتَارِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ.  
 السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُصْطَفِينَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

۱. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۶۷.

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتِهِ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ فِي الْأَوَّلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ  
الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ اللَّهِ عَلَى الْأُمَمِ اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْتُبْنِي عِنْدَكَ مِنَ الْمُقْبُولِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ  
الْفَائِزِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.<sup>۱</sup>

دو- مصباح الزائر ابن طاووس (م. ۶۶۴)

### - دَکَّةُ المِعْرَاجِ

اولین بار سید بن طاووس به این مکان اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

### اعمال دکه المعراج

بر اساس روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، وقتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حال سیر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی بود، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ به او گفت: «آیا می دانی اکنون کجا هستی؟» پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خیر». جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: «تو مقابل مسجد کوفه هستی». پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خدا اجازه خواست دو رکعت در آن نماز گزارد.<sup>۳</sup>

سید بن طاووس این نقطه را به نام «دکه المعراج» معرفی کرده و

۱. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۱۶۷-۱۶۸.

۲. ابن طاووس، مصباح الزائر، ص ۴۰.

۳. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ أَتَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ (يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّاعَةَ) [قَالَ لَا قَالَ] أَنْتَ مُقَابِلُ [مَسْجِدِ] كُوفَانَ [قَالَ فَاسْتَأْذَنَ لِي رَبِّي حَتَّى آتَيْتُهُ فَأَصَلَّيْتُ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ] فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأْذَنَ لَهُ [فَهَبَطَ فَصَلَّى فِيهِ رَكَعَتَيْنِ]». (مفيد، المزار، ص ۸).



اعمالی برای آن نقل کرده است:

دو رکعت نماز می خوانی، رکعت اول حمد و توحید و رکعت دوم حمد و کافرون و بعد از نماز تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام را می گویی و سپس این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ وَدَارُكَ دَارُ  
السَّلَامِ حَيَّتَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءً  
رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَتَعْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>

سه- المزار شهید اول (م. ۷۸۶ق)

### - بیت الطشت

شهید اول در المزار خود از مقام دیگری به نام «بیت الطشت» یاد کرده است.<sup>۲</sup> او به داستانی که درباره این مکان از قضاوت های علی علیه السلام گزارش شده، اشاره نمی کند؛ ولی اعمالی برای این مکان نقل می کند:

دو رکعت نماز می خوانی (به هر سوره ای که خواستی) و پس از نماز می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي ذَخَرْتُ تَوْحِيدِي إِيَّاكَ وَمَعْرِفَتِي بِكَ وَإِخْلَاصِي لَكَ وَ  
إِقْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ وَذَخَرْتُ وَوَلَايَةَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ  
مُحَمَّدٍ وَعَدْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ لِيَوْمِ فَرَعِي إِيَّاكَ عَاجِلًا وَآجِلًا وَقَدْ

۱. ابن طاووس، مصباح الزائر، ص ۴۰.

۲. شهید اول، المزار، ص ۲۵۳.

فَزَعْتُ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ يَا مَوْلَايَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَسَأَلْتُكَ  
مَادَّتِي مِنْ نِعْمَتِكَ وَإِرَاحَةَ مَا أَخْشَاهُ مِنْ نِقْمَتِكَ وَالْبَرَكَاتَةَ فِي جَمِيعِ مَا  
رَزَقْتَنِيهِ وَتَحْصِينَ صَدْرِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَجَائِحَةٍ وَمَعْصِيَةَ فِي دِينِي وَ  
دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۱</sup>

چهار- زاد المعاد علامه مجلسی (م ۱۱۰ق)

### - مقام حضرت نوح عليه السلام

علامه مجلسی در زاد المعاد یا مفتاح الجنان از مقامی یاد کرده که به  
مقام حضرت نوح عليه السلام مشهور است.

### اعمال مقام حضرت نوح عليه السلام (باب الفرج)

علامه مجلسی می گوید: در جانب قبله نزدیک به در خروجی مسجد  
به سوی خانه امیرالمؤمنین عليه السلام چهار رکعت نماز حاجت می خوانی و بعد  
از نماز می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِ حَاجَتِي يَا اللَّهُ يَا مَنْ لَا يَحْيِبُ  
سَأَلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ  
الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ يَا وَاسِعَ الْعَطِيَّاتِ يَا دَافِعَ  
الْقَهَمَاتِ يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ عُنْدَ عَلِيِّ بَطُولِكَ وَفَضْلِكَ وَ  
إِحْسَانِكَ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي فِيهَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَ  
وَصِيِّكَ وَأَوْلِيَانِكَ الصَّالِحِينَ.<sup>۲</sup>

۱. شهید اول، المزار، ص ۲۵۳.

۲. مجلسی، زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۹۳.

## نتیجه گیری

آنچه در منابع اولیه و روایات مستند به معصومین علیهم السلام وارد شده است، مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام است؛ اما بقیه مقامات مسجد کوفه و ویژگی‌ها و اعمال منسوب به آنها در منابع روایی دست اول ذکر نشده است. اولین بار در کتاب *المزار الکبیر ابن مشهدی* (م ۶۱۰ ق) از بعضی از آنها یاد شده و برای آنها نماز و ادعیه‌ای بیان گردیده است. بعضی دیگر از سید بن طاووس ذکر گردیده و بعضی دیگر از شهید اول و در مرحله آخر هم بعضی مقام‌ها در آثار علامه مجلسی بیان شده است. مقام‌هایی که این بزرگان از آن یاد کرده‌اند مستند به معصوم نیست؛ یا اگر در اختیار آنها روایاتی بوده به صورت مستند بیان نکرده‌اند. بر خلاف مقام ابراهیم و مقام جبرئیل علیه السلام که مستند به معصوم است.

آنچه درباره پیشینه و سندشناسی مقامات مسجد کوفه ارائه شد، برای آگاهی روحانیون محترم و محققان است تا کمیت و کیفیت انجام اعمال مسجد کوفه به گونه‌ای نشود که زائرین را از اصل حضور در مسجد کوفه دلسرد و بی‌انگیزه کند و مسجد کوفه را برابر با اعمال شاقه تصور کنند. بنابراین مناسب است براساس حال و هوای زائران انجام اعمال مقامات مسجد کوفه را اولویت‌بندی کنند.

## ۲. مسجد سهله

### الف) موقعیت مسجد سهله

مسجد سهله در شمال غربی کوفه در ورودی شهر کوفه و در فاصله

دو کیلومتری مسجد کوفه قرار دارد. از مسجد سهله با نام‌های دیگری نیز یاد شده است: مسجد الشَّری،<sup>۱</sup> مسجد سُهَیل،<sup>۲</sup> مسجد بِنی ظَفَر.<sup>۳</sup> ولی «سهله»<sup>۴</sup> مشهورتر از بقیه نام‌هاست. ابعاد این مسجد ۱۴۰ متر در ۱۲۵ متر است.

بر اساس روایتی از امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، مسجد بنی ظفر یکی از چهار مسجد متبرک کوفه و همان مسجد سهله است.<sup>۵</sup> از آنجا که این مسجد در کلام حضرت علی علیه السلام مبارک یاد شده، پس تاریخ احداث آن باید پیش از سال ۳۶ قمری، یعنی پیش از تشریف‌فرمایی حضرت به کوفه باشد یا دست کم این نتیجه به دست می‌آید که در زمان خلافت آن حضرت در کوفه، یعنی از سال ۳۶-۴۰ قمری، این مسجد در کوفه وجود داشته است. این مسجد در زمینی خالی از سکنه و عمران بنا شده و اطراف آن را رمل‌های سرخ‌رنگ فرا گرفته است. «سهله» در لغت، تپه‌ای است پوشیده از شن سرخ‌رنگ و «سهله» شن دانه‌درشتی است که دانه‌هایش قابل مشاهده است. مسجد سهله چون در سرزمینی است که پوشیده از شن سرخ‌رنگ است، به این نام مشهور شده است.

۱ حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۵۹.

۲ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹.

۳ همان.

۴ همان.

۵ همان.

## ب) فضائل مسجد سهله

در منابع روایی برای این مسجد فضائل و موقعیت‌های ویژه‌ای نقل شده است.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام مسجد سهله را محل سکونت امام زمان علیه السلام با خانواده‌اش بیان می‌کنند.<sup>۲</sup> همچنین بر پایه روایت امام صادق علیه السلام این مسجد خانه ابراهیم علیه السلام، ادريس پیامبر علیه السلام، خانه داوود نبی علیه السلام و همچنین بارانداز حضرت خضر علیه السلام در این مسجد خواهد بود.<sup>۳</sup> از این مکان، حضرت ابراهیم علیه السلام به جنگ با عمالقه، و حضرت داوود علیه السلام به جنگ جالوت رفت.<sup>۴</sup>

درباره فضائل مسجد سهله از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «دو رکعت نماز در این مسجد سبب افزوده شدن دو سال بر عمر انسان می‌گردد».<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر عمویم زید در این مسجد نماز خوانده بود و به خدا پناه برده بود، خداوند به عمر او می‌افزود».<sup>۶</sup> همچنین فرمود: «کسی که در این مسجد بین عشاءین نماز گزارد و خدا را بخواند،

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱.

۲. «قال أبو عبد الله علیه السلام وَ ذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ». (کلینی،

الکافی، ج ۳، ص ۴۹۵)

۳. الکافی، ج ۳، ص ۴۹۴.

۴. همان.

۵. «عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكْعَتَيْنِ زَادَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عُمرِهِ سَتَيْتَيْنِ».

(مفید، کتاب المزار، ص ۱۴)

۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۷.

خداوند مشکل او را رفع می‌کند.<sup>۱</sup> روایت شده است که «هیچ پیامبری را خدا مبعوث نکرد مگر اینکه در این مسجد نماز گزارد»<sup>۲</sup>

بخش عظیم این مسجد بدون سقف است، تنها قسمتی از آن سقف دارد که به مقام حضرت مهدی عج مشهور است. این سقف به دستور علامه بحرالعلوم ساخته شده است.<sup>۳</sup>

با توجه به روایاتی که مسجد سهله را خانه امام زمان عج پس از ظهور آن حضرت بیان کرده‌اند، نام مسجد سهله با نام آن حضرت قرین شده است. در برخی کتاب‌های شیعه، گزارش‌هایی از تشریف به محضر امام عصر عج در مسجد سهله آمده است؛ از جمله از علامه سیدمهدی بحرالعلوم نقل شده است که در این مسجد، حضرت مهدی عج را در حال مناجات با پروردگار خود زیارت کرد.<sup>۴</sup>

از حدود نیمه اول قرن سیزدهم هجری، عالم بزرگ شیعه، شیخ محمدحسن صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ق) این سنت را پایه‌گذاری کرد که مردم به مدت چهل شب چهارشنبه پی‌درپی به مسجد سهله بروند و به نیت تشریف به محضر امام زمان عج آداب خاص آنجا را به جای آورند.<sup>۵</sup> شاید مبنای این اعمال، قول سید بن طاووس در مصباح الزائر است که

۱. «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّهُ مَا مِنْ مَكْرُوبٍ يَأْتِي مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَيُصَلِّي فِيهِ [رُكْعَتَيْنِ] بَيْنَ الْعِشَاءِ نِوَا وَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى إِلَّا قَرَّحَ كَرْبَهُ». (مفید، کتاب المزار، ص ۱۴)

۲. «وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ». (ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۳۵)

۳. مسلمی، تاریخ الکوفه، ص ۵۵.

۴. طبرسی، النجم الثاقب، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۷.

۵. طریحی، العتبات المقدسه فی الکوفه، ص ۱۷۳-۱۷۴.

می‌گوید: «اگر خواستی به مسجد سهله بروی بین مغرب و عشای شب چهارشنبه برو که از اوقات دیگر بهتر است»<sup>۱</sup>.

### ج) آداب ورود به مسجد سهله

برای ورود به مسجد سهله در منابع روایی اولیه اعمال و آداب خاصی وارد نشده است. علامه مجلسی در زاد المعاد (مفتاح الجنان) برای ورود به مسجد سهله آدابی را نقل کرده است که عبارتند از:

یک) خواندن دعا هنگام ورود به مسجد:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ تَوَكَّلْتُ  
عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عُمَّارِ  
مَسَاجِدِكَ وَ عُمَّارِ بَيْوتِكَ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ  
عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ افْتَقَرْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ عَنِّي عَنْ عِبَادَتِي تَجِدُ مِنْ  
خَلْقِكَ مَنْ تُعَذِّبُهُ وَ لَا أَجِدُ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ  
نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ افْتَحْ  
لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ أَعْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي فِي مَقَامِي  
هَذَا بِجَمِيعِ مَا أَعْطَيْتَ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ اضْرِبْ عَنِّي مَا صَرَفْتَ  
عَنْهُمْ مِنْ شَرِّ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا  
إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ  
اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ  
اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَ تَبَيَّنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ دِينِكَ وَ ارزُقْنِي

نَصَرَ آلَ مُحَمَّدٍ وَتَبَتَّنِي عَلَى أَمْرِهِمْ وَأَصْلَحَ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَاحْفَظْهُمْ مِنْ  
بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَامْنَعْهُمْ عَنْ أَنْ  
يُوصَلَ إِلَيْهِمْ بِسُوءٍ وَإِيَايَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَائِدُكَ فِي بَيْتِكَ وَلِكُلِّ  
مَأْتِيٍّ إِكْرَامٍ رَائِرِهِ فَيَا خَيْرَ مَنْ طَلَبَ مِنْهُ الْحَاجَاتُ وَرُغِبَ إِلَيْهِ أَسْأَلُكَ يَا  
اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِحَقِّ الْوَلَايَةِ أَنْ  
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي  
فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّرِينَ اللَّهُمَّ  
اجْعَلْ صَلَوَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَ  
رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَانْظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ  
نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ أَسْتَوْجِبُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تُصْرِفْهَا عَنِّي أَبَدًا  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى  
دِينِكَ وَدِينِ مَلَائِكَتِكَ وَوَلِيِّكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي  
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرْضَاتِكَ  
طَلَبْتُ وَثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ فَأَقْبِلْ إِلَيَّ  
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَقْبَلْ وَجْهِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ  
وَآتِنِي نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَفَضْلَكَ أَنْتَ أَحَقُّ الْمُتَعَمِّينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ وَ  
فَضْلَكَ عَلَيَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

(دو) خواندن آیه الکرسی:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي  
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا



بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ  
 وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ  
 الْعَظِيمُ<sup>۱</sup>

سه) خواندن هفت مرتبه سوره های «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»<sup>۲</sup> و «قُلْ أَعُوذُ  
 بِرَبِّ النَّاسِ»<sup>۳</sup> و خواندن هفت بار هر یک از ذکرهای: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «الْحَمْدُ  
 لِلَّهِ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ»<sup>۴</sup>  
 چهار) خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي وَ لَكَ  
 الْحَمْدُ عَلَى مَا شَرَّفْتَنِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي اللَّهُمَّ  
 تَقَبَّلْ صَلَوَاتِي وَ دُعَائِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ تَبَّ عَلَىٰ إِنَّكَ  
 أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.<sup>۵</sup>

پنج) خواندن نماز

از اعمال مورد تأکید در سخنان و سیره معصومین (علیهم السلام) در مسجد  
 سهله، خواندن نماز است که<sup>۵</sup> روایات این باب از نظر سندی ضعیف  
 هستند.<sup>۶</sup> اما با توجه به روایاتی که در آداب مسجد و نماز تحیت مسجد

۱. بقره: ۲۵۵.

۲. فلق: ۱.

۳. ناس: ۱.

۴. مجلسی، زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۹۹-۵۰۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۶. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱-۴۹۴؛ مجلسی، ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۹۶-۹۸.

وارد شده،<sup>۱</sup> می‌توان گفت نماز خواندن در مسجد سهله مستحب است؛ چنان‌که شیخ طوسی در مصباح، نماز در مسجد سهله را مستحب شمرده است.<sup>۲</sup>

ابن مشهدی در کتاب *المزار الکبیر* با چند طریق از شیخ طوسی و شیخ مفید روایت می‌کند که بشار مکاری گفت:

در کوفه بر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام وارد شدم، طبقی از خرماى طبرزد مقابل حضرت بود و میل می‌کرد. به من فرمود: «یا بشار جلو بیا و خرما بخور». عرض کردم: «نوش جان! فدایت شوم. غیرتم از چیزی که در مسیرم دیدم به جوش آمده و قلبم آتش گرفته». حضرت فرمود: «به حق من نزدیک بیا و بخور». بشار می‌گوید: «جلو رفتم و از خرما خوردم». حضرت فرمود:

«سخنت چی بود؟» عرض کردم: «دیدم شرطه‌ای به سر خانمی می‌زند و او را به سوی حبس می‌کشاند. آن زن با صدای بلند از خدا و رسولش یاری می‌خواست، ولی هیچ کس او را یاری نمی‌کرد». حضرت فرمود: «چرا با او این گونه رفتار می‌کرد؟» بشار گفت: «شنیدم که مردم می‌گفتند: زن زمین خورد، در این حالت گفت: خدا لعنت کند ظلم کنندگان به تو را ای فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و این سخن باعث دستگیری او شد».

۱. «یا ابا ذرٍّ اِنَّ لِلْمَسْجِدِ نَحْمَةً قُلْتُ وَ مَا نَحْمَتُهُ قَالَ رَكْعَتَانِ تَرْكُهُمَا». (حر عاملی، وسائل الشیعة،

ج ۵، ص ۲۴۷)

۲. طوسی، مصباح‌المتجهد، ج ۲، ص ۷۴۷.

بشار گفت: امام صادق علیه السلام با شنیدن این سخن دست از خوردن خرما برداشت و آن قدر گریه کرد که دستمال و محاسن و سینه حضرت از اشک تر شد و فرمود: «ای بشار، برخیز با هم به مسجد سهله برویم و دعا کنیم و از خدا نجات آن زن را بخواهیم». حضرت یکی از شیعیان را هم به جلوی محل حکومت فرستاد و به او فرمود: چشم برنندار تا اینکه فرستاده حاکم بیاید و اگر مشکلی برای این زن اتفاق افتاد هر جا بودیم برای ما خبر بیاور».

بشار گفت: با امام به مسجد سهله رفتیم و هر یک از ما دو رکعت نماز خواند. سپس امام علیه السلام دستانش را به سوی آسمان بالا برد و همان دعایی را که ابراهیم بن هاشم از حضرت خضر علیه السلام در مسجد سهله نقل کرد، قرائت کرد:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَ مُعِيدُهُمْ، ... الی آخر دعا.

سپس امام علیه السلام به سجده افتاد و من دیگر چیزی جز نفس های حضرت را نشنیدم. پس از لحظاتی حضرت سر از سجده برداشت و فرمود: «برخیز آن زن آزاد شد».<sup>۱</sup>

در این روایت فقط به دو رکعت نماز امام صادق علیه السلام در مسجد سهله و دعایی که حضرت خواندند اشاره شده است. بنابراین آنچه درباره اعمال سهله می توان گفت، دو رکعت نماز در این مسجد مستحب است و از عمل امام صادق علیه السلام می توان فهمید خواندن دعا

در این مسجد به اجابت نزدیک است؛ اگر چه دعایی که بشار مکاری از امام صادق علیه السلام نقل کرده اگر از جهت سندی قابل اسناد به معصوم بود اولویت داشت.

### (د) سندشناسی اعمال مسجد سهله

در مورد مقامات مسجد سهله و اعمال خاص هر مقام در منابع معتبر روایی گزارشی یافت نمی‌شود. اولین بار ابن مشهدی (م ۶۱۰ ق) درباره مقامات و اعمال مسجد سهله واقعه‌ای را از ابراهیم بن هاشم<sup>۱</sup> نقل می‌کند که خواندن نماز و ادعیه در موقعیت‌های مختلف این مسجد (مقامات) گزارش شده است.

ابن مشهدی می‌گوید:

ابوالکارم حمزة بن علی بن زهره حسینی علوی حلبی هنگام بازگشت از حج در سال ۵۷۴ در مسجد سهله برای من نقل کرد که پدرش علی بن حمزه از جدش از محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) شنیده که محمد بن یعقوب (شیخ کلینی) از علی بن ابراهیم شنیده است که پدرش ابراهیم بن هاشم برای او روایت کرده: سالی حج به جا آوردم و هنگام ورود به کوفه به مسجد سهله وارد شدم، شخصی را در حال رکوع و سجود (نماز) دیدم؛ بعد از نماز دعایی را قرائت کرد. سپس برخاست و درحالی که ما همراه او بودیم به

۱. نجاشی از رجال کشی نقل می‌کند که ابراهیم بن هاشم از شاگردان یونس بن عبدالرحمان از

اصحاب امام رضا علیه السلام و مردی موثق است. (نجاشی، رجال النجاشی، ج ۱۶، ص ۱۸)

گوشه‌ای از مسجد رفت و ایستاد و دو رکعت نماز خواند. بعد از نماز تسیحات حضرت زهرا علیها السلام را قرائت کرد و دعای مخصوصی را خواند. سپس برخاست، از او از آن مکان سؤال کردیم. گفت: اینجا خانه حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام است که از اینجا به سوی جنگ با عمالقه رفت. سپس به سوی گوشه غربی رفت و دو رکعت نماز خواند و دستان خود را بالا برد و باز دعای دیگری را قرائت کرد.

از آن مکان هم برخاست و به سوی زاویه شرقی مسجد رفت و دو رکعت نماز خواند و دستان خود را گشود و دعای دیگری را خواند و سپس گونه‌های خود را بر خاک نهاد. آن‌گاه برخاست و از مسجد خارج شد. از او درباره آن مکان سؤال کردیم که نام آن چیست؟ گفت: «مقام صالحین و پیامبران و رسولان است». بعد از آن به مسجد زید رفتیم و نماز خواندیم. سپس از دیدگان ما غایب شد و او را ندیدیم. همراه من گفت: «او حضرت خضر علیه السلام بود».<sup>۱</sup>

در این نقل تاریخی که ابراهیم بن هاشم نقل می‌کند، فردی که به عقیده او حضرت خضر علیه السلام بوده در مکانی که امروز به نام مقام ابراهیم علیه السلام و مقام صالحین مشهور است نماز و دعا خوانده است. اگر چه ابراهیم بن هاشم فردی موثق و مورد اعتماد است، اما این اعمال را به هیچ معصومی نسبت نداده است.

## ۵) مقام‌های مسجد سهله



در کتاب‌های مزار به موقعیت‌های مختلفی در مسجد سهله اشاره شده است. اما تحت عنوان مقام در منابع روایی معتبر دست اول نامی برده نشده است. آنچه درباره مقامات مسجد سهله گفته شده در آثار قرن هفتم به بعد آمده است. اگر چه ابن مشهدی از ابراهیم بن هاشم، از محدثین قرن سوم، از مشاهده نماز و عبادت فردی که او را حضرت خضر علیه السلام معرفی کرده است در جایگاه‌های مختلف این مسجد گزارش کرده است، اما این گزارش هم در منابع روایی قبل از ابن مشهدی نیامده است.

### یک - مقام امام صادق علیه السلام

در وسط مسجد سهله مکانی است که به مقام امام صادق علیه السلام مشهور است. همان‌طور که در روایت مکاری گفته شد امام صادق علیه السلام در این



## فصل اول: مساجد تاریخی شهر کوفه

مسجد نماز خواند و برای نجات یکی از شیعیان خود دعا کرد و از زندان نجات یافت.

دو رکعت نماز تحیت مسجد در این مکان خوانده شود و سپس این دعا قرائت شود:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ وَرَازِقُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمُحْزُونِ الْمُكْتُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ السِّرِّ وَأَخْفَى، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ. يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ اسْتَأْتَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَجَّلَ خَلَاصَ هَذِهِ الْمُرَاةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ.<sup>۱</sup>

### دو- مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی و دومین پیامبر اولوالعزم پس از حضرت نوح علیه السلام است.<sup>۲</sup> خداوند او را به عنوان خلیل (دوست)

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۳۸.

۲. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۱، ص ۲۳۳.

خود برگزید و ملقب به «خلیل الله» کرد.<sup>۱</sup>

ابراهیم علیه السلام به اب الانبیاء معروف است؛<sup>۲</sup> زیرا همه پیامبران پس از او از نسل ابراهیم علیه السلام هستند.<sup>۳</sup>

بیشتر محققان سده ۲۰ قبل از میلاد (۱۹۹۶ ق.م) را تاریخ ولادت ابراهیم علیه السلام، و در سرزمین بابل یا کوئا از نواحی سواد عراق که در زمان او نمود در آن حکومت می‌کرده، دانسته‌اند و برخی دیگر محل ولادت او را الورکاء (اوروک) یا حران بیان کرده و گفته‌اند: «بعداً پدرش او را به بابل یا کوئا منتقل کرد».<sup>۴</sup>

ابراهیم علیه السلام در سرزمین‌های مختلفی زندگی کرد: شامات، عراق، حجاز و فلسطین. در قرآن ۶۹ مرتبه از ابراهیم یاد شده است و یکی از سوره‌های قرآن هم به نام او ثبت شده است.<sup>۵</sup> قرآن در خصوص ابراهیم علیه السلام، به نبوت و دعوت او به توحید و شکستن بت‌ها<sup>۶</sup>، امامت او<sup>۷</sup>، ذبح فرزند<sup>۸</sup>، زنده شدن چهار پرنده پس از مردن<sup>۹</sup>، سرد شدن

۱. «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا» (نساء: ۱۲۵)

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۹۹۷.

۳. عنکبوت: ۲۷؛ انعام: ۸۴.

۴. سجادی، ابراهیم خلیل علیه السلام، ص ۴۹۹.

۵. قرآن کریم، سوره ۱۴.

۶. مریم: ۴۱-۴۷؛ انبیاء: ۵۱-۵۷؛ شعراء: ۶۹-۸۲ و ...

۷. بقره: ۱۲۴.

۸. صافات: ۱۰۱-۱۰۸.

۹. بقره: ۲۶۰.



آتش<sup>۱</sup>، دادن امتحان‌های الهی<sup>۲</sup>، بنای کعبه<sup>۳</sup> و اعمال حج ایشان<sup>۴</sup> اشاره کرده است. ابراهیم علیه السلام ۱۷۹ یا ۲۰۰ سال عمر کرد و در حبرون، که امروزه در سرزمین فلسطین قرار دارد و الخلیل نامیده می‌شود، از دنیا رفت.<sup>۵</sup>

در گوشه غربی مسجد سهله جایگاهی وجود دارد که به مقام ابراهیم علیه السلام شهرت دارد؛ چراکه خانه حضرت اینجا بوده و از اینجا به جنگ عمالقه رفته است.<sup>۶</sup> سفارش شده دو رکعت نماز در اینجا اقامه شود و پس از نماز تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا قَدْ عَلِمْتَ  
 حَوَائِجِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِهَا وَقَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِهَا وَقَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهَا لِي. اللَّهُمَّ أَحْسِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي، وَ  
 أَمْتِنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي، عَلَى مَوْلَاةٍ أَوْلِيَاكَ وَمُعَادَاةٍ أَعْدَاكَ، وَ  
 افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۷</sup>

۱. انبیاء: ۶۹.

۲. بقره: ۱۲۴.

۳. بقره: ۱۲۷.

۴. حج: ۲۷.

۵. طباطبائی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۱۸.

۶. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۴۱.

۷. همان، ص ۱۴۱-۱۴۲.

## سه- مقام حضرت ادريس عليه السلام

حضرت ادريس عليه السلام سرسلسله بسياري از انبيايي است که پیش از نوح مبعوث شدند.<sup>۱</sup> او جد پدر حضرت نوح عليه السلام است. اسم او در تورات اخنوخ است.<sup>۲</sup> برخي معتقدند که میان ادريس عليه السلام و آدم عليه السلام پنج نسل فاصله است.

ادريس عليه السلام یکی از ۲۶ پیامبری است که خداوند نام آنها را در قرآن کریم آورده است. قرآن کریم دو بار (در سوره مریم<sup>۳</sup> و سوره انبياء)<sup>۴</sup> از حضرت ادريس یاد می کند و او را پیامبری صدیق، صابر، صالح و دارای منزلتی والا می داند و از داخل شدن او در رحمت الهی خبر می دهد.

او فردی زاهد و عابد بود و هر روز هزاران بار خدا را تسبیح می گفت. این پیامبر بزرگ از راه خیاطی امرار معاش می کرد و همواره هنگام دوختن لباس به حمد، تسبیح و تهلیل خداوند مشغول بود.<sup>۵</sup>

برخی با توجه به آیات و روایات معتقدند که خداوند او را به بعضی از طبقات آسمان «چهارم یا پنجم یا ششم» بالا برد.<sup>۶</sup> از این رو در قرآن

۱. جوادى آملی، تفسیر موضوعی، ج ۶، ص ۵۳۲.

۲. میبدی، کشف الاسرار، ج ۶، ص ۶۵.

۳. ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾. (مریم: ۵۶ و ۵۷)

۴. ﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنْ

الصَّالِحِينَ﴾. (الأنبياء: ۸۵ و ۸۶)

۵. طبسی، ادريس پیامبر عليه السلام، ص ۴۷.

۶. طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۵، ص ۱۸۱.

آمده است: ﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾.<sup>۱</sup> برخی دیگر گفته‌اند که خداوند روح او را میان آسمان چهارم و پنجم قبض نمود.<sup>۲</sup>

در گوشه غربی مسجد سهله گفته شده خانه حضرت ادریس بوده که امروز به مقام ادریس علیه السلام شناخته می‌شود. زائران در این مکان دو رکعت نماز بخوانند و دستان خود را بالا ببرند و بگویند:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ طَلَبَ نَائِلِكَ وَ  
رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ  
قَبُولٍ، وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ الْمَأْمُولَ، وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ.<sup>۳</sup>

#### چهار- مقام حضرت خضر علیه السلام

خضر یکی از اولیای الهی و دارای عمری طولانی است. در اینکه او یکی از پیامبران الهی است یا خیر روایات متفاوتی نقل شده است.<sup>۴</sup> نام یا لقب خضر برای او از این‌روست که وی بر هر جا که بنشیند یا نماز بگذارد زمین زیر پا و اطراف آن سبز و خرم می‌شود.<sup>۵</sup>

نام وی صریحاً در قرآن نیامده، اما در آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف ماجرای اسرارآمیز درباره دیدار موسی علیه السلام با بنده‌ای صالح حکایت شده که از او با

۱. مریم: ۵۷.

۲. جزایری، النور المبین، ص ۹۹.

۳. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۲.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۷۸-۳۲۲.

۵. طبری، جامع البیان، ذیل آیه ۶۵ کهف.

تعبیر «عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»<sup>۱</sup> یاد شده است. تقریباً همه عالمان اسلامی این بنده صالح را خضر خوانده‌اند.

بر اساس حدیثی از امام صادق علیه السلام مسجد سهله در کوفه محل همان صخره‌ای است که دیدار حضرت خضر علیه السلام با حضرت موسی علیه السلام در کنار آن صورت گرفت<sup>۲</sup> و احتمالاً مقصود از «مَجْمَع بَيْنَهُمَا» یا «مجمع البحرين» دجله و فرات است.

در گوشه شرقی مسجد سهله مقام انبیا و صالحین به مقام خضر علیه السلام هم شهرت دارد. در این مکان دو رکعت نماز خوانده شود و این دعا قرائت گردد:<sup>۳</sup>

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الدُّنُوبُ وَالْخَطَايَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ فَلَمْ تَرْفَعْ لِي  
إِلَيْكَ صَوْتًا وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِي دَعْوَةً، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ يَا اللَّهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ  
مِثْلَكَ أَحَدٌ، وَآتَوْسَلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَتُقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَلَا  
تُحِبِّبْنِي حِينَ أَدْعُوكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي حِينَ أَرْجُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۴</sup>

سپس گونه خود را بر سجده بگذارد و دعا کند.

### پنج- مقام امام زین العابدین علیه السلام

علامه مجلسی می‌گوید: «سپس به وسط مسجد، پس از مقام

۱. کشف: ۶۵.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۲.

۳. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۲.

۴. همان.

امام زمان علیه السلام، رفته و دو رکعت نماز می خوانی و این دعا را قرائت می کنی:

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ يُحَوِّلُ بَيْنَ الْمَرْءِ  
وَقَلْبِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحُلِّ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِنَا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ  
يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفَيْنَا الْمُهَمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ  
الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بعد از دعا به سجده رفته و حاجت خود را از خداوند طلب می کنی.<sup>۱</sup>

### شش - مقام صالحین و انبیا و مرسلین علیهم السلام

علامه مجلسی می گوید: به گوشه دیگر مسجد بین دیوار شمالی و شرقی برو که مقام صالحین و انبیا و مرسلین است. دو رکعت نماز بخوان و بعد این دعا را قرائت کن:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ  
تَجْعَلَ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ أَعْمَالِي خَوَاتِيمَهَا وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ الْقِسَافِ  
فِيهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِي وَاسْمَعْ نَجْوَايَ يَا عَلِيُّ يَا  
عَظِيمُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ  
لِي الدُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَلَا تَفْضَحْنِي عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ  
احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ  
صَلِّ اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۴۵.

۲. مجلسی، زاد المعاد (مفتاح الجنان)، ص ۵۰۲.

هفت - مقام امام زمان علیه السلام

در جلوی قبله، زیر گنبد، مکانی وجود دارد که به مقام امام زمان علیه السلام شهرت دارد. در انتساب این مکان به امام عصر علیه السلام دلیل خاصی ارائه نشده است. شاید انتساب این مکان به جهت تشرف علامه بحرالعلوم در این مکان به محضر ولی عصر علیه السلام باشد. ابن مشهدی نقل می‌کند که هرگاه خواستی به امام زمان علیه السلام استغاثه کنی دو رکعت نماز بخوان و بعد این دعا را قرائت کن. البته او هیچ مطلبی نسبت به استناد این مکان به امام زمان علیه السلام ارائه نکرده است:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ النَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَ صَلَوَاتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ النَّامَةُ،  
عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ، وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ، وَ  
سُلَالَةِ النَّبُوَّةِ، وَ بَقِيَّةِ الْعِرْزَةِ، وَ الصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ مُظْهِرِ  
الْإِبَانِ، وَ مُعَلِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، مُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ  
وَ الْعُرْضِ، وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُتَنْظَرِ الْمُتَرْضَى، الطَّاهِرِ ابْنِ  
الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمُضِيِّينَ، الْهَادِي الْمُهْدِيِّ ابْنِ  
الْأَيْمَةِ الْمُعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُسْتَوْدَعَ حُكْمِ  
الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ صَاحِبِ  
الزَّمَانِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ فَاطِمَةَ  
الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَجَّجِ عَلَى الْخَلْقِ  
أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوَلَاءِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ  
الْإِمَامُ الْمُهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا، وَ أَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا،

فَعَجَلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ، وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ  
 أَعْوَانَكَ، وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ: « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ  
 عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ».<sup>۱</sup>  
 يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا،  
 فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ  
 اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَامًا مَحْمُودًا، فَحَقَّقْ مِنِّي اخْتِصَامًا لِأَمْرِهِ وَ  
 ارْتِضَاءًا لِسِرِّهِ، وَ بِاللَّسَانِ الَّذِي بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ، سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ  
 طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي، وَ كَشْفِ كُرْبَتِي.

سپس هر چه می‌خواهی دعا کن ان شاء الله خداوند حاجات را  
 برآورده خواهد کرد.<sup>۲</sup>

### (و) مسجد سهله ملاقاتگاه امام زمان علیه السلام

مسجد سهله یکی از مکان‌هایی است که ارتباط نزدیکی با  
 امام زمان علیه السلام دارد. علاوه بر اینکه پس از ظهور محل سکونت  
 آن حضرت خواهد بود، تعدادی از بزرگان توفیق تشریف به محضر  
 امام زمان علیه السلام را در این مسجد پیدا کرده‌اند. مناسب است روحانیون  
 زائران را با این حال و هوای این مسجد آشنا کنند و آنان را در این  
 مسجد متوجه وجود مقدس امام زمان علیه السلام کنند. در اینجا به تشریف دو تن  
 از بزرگان به خدمت امام زمان علیه السلام در این مسجد اشاره می‌کنیم:

۱. قصص: ۵.

۲. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۷۱-۶۷۲.

### تشریف علامه بحرالعلوم به خدمت امام زمان عجل الله فرجه

یکی از کسانی که توفیق ملاقات ولی عصر عجل الله فرجه را پیدا کرد علامه بحرالعلوم بود. مقام امام زمان عجل الله فرجه در مسجد سهله توسط ایشان و به جهت ملاقات حضرت در آن مکان تعیین شده است.

مرحوم ملازمین العابدین سلماسی می‌گوید: روزی در مجلس درس آیت الله علامه بحرالعلوم رحمته الله در نجف اشرف نشسته بودیم که عالم بزرگ آیت الله میرزا ابوالقاسم قمی، (میرزای قمی صاحب کتاب قوانین) برای دیدار علامه وارد شد.

شاگردان علامه متفرق شدند و فقط من با سه نفر از خواص اصحاب علامه، که دارای درجات عالی صلاح و ورع و اجتهاد بودند، ماندیم. میرزای قمی رو به سید بحرالعلوم کرد و گفت:

شما هم دارای مقام سیادت هستید و هم به مقام روحانی و قرب ظاهری (مجاورت حرم مطهر امیرالمؤمنین ع) و باطنی رسیده‌اید. از آن نعمت‌های نامتناهی چیزی به ما تصدق فرمایید.

سید بدون تأمل فرمود: شب گذشته یا دو شب قبل (تردید از ناقل است) برای خواندن نماز شب به مسجد کوفه رفته بودم. با این قصد که صبح اول وقت به نجف اشرف برگردم تا درس‌ها تعطیل نشود. وقتی از مسجد بیرون آمدم، در دلم برای رفتن به مسجد سهله شوقی افتاد؛ اما خود را از آن منصرف کردم، از ترس اینکه به نجف اشرف نرسم؛ ولی لحظه‌به‌لحظه شوقم زیادتر می‌شد و قلبم به آنجا تمایل پیدا می‌کرد.



در همان حالت تردید بودم که ناگاه بادی وزید و غباری برخاست و مرا به طرف مسجد سهله حرکت داد. خیلی نگذشت که خود را کنار در مسجد سهله دیدم. داخل مسجد شدم؛ دیدم خالی از زوار و مترددین است جز آنکه شخصی جلیل القدر مشغول مناجات با خداست، آن هم با جملاتی که قلب را منقلب و چشم را گریان می‌کرد. حالم دگرگون و دلم از جا کنده شد و زانوهایم مرتعش و اشکم از شنیدن آن جملات جاری شد. جملاتی بود که هرگز به گوشم نخورده و چشمم ندیده بود؛ لذا فهمیدم که مناجات کننده آن کلمات را نه آنکه از محفوظات خود بخواند، بلکه آنها را انشاء می‌کند. در مکان خود ایستادم و گوش می‌دادم و از آنها لذت می‌بردم تا از مناجات فارغ شد. آن‌گاه رو به من کرد و به فارسی فرمود: «مهدی بیا». پیش او رفتم و ایستادم. دوباره فرمود: «پیش بیا». باز اندکی جلوتر رفتم و توقف نمودم.

برای بار سوم دستور به جلو رفتن داد و فرمود: «ادب در امتثال است. تا هر جا که گفتم بیا؛ نه آنکه به خاطر رعایت ادب توقف کنی». من هم پیش رفتم تا جایی رسیدم که دست ایشان به من و دست من به آن جناب می‌رسید.

آخوند ملازمین العابدین سلماسی می‌گوید: «وقتی صحبت علامه علیه السلام به اینجا رسید، یک‌باره از سخن گفتن دست کشید و ادامه نداد و شروع به جواب دادن محقق قمی راجع به سؤالاتی که قبلاً ایشان پرسیده بود کرد».<sup>۱</sup>

## تشریف آیت الله مرعشی نجفی به محضر امام زمان علیه السلام

آیت الله مرعشی نجفی نقل کرده‌اند که زمان تحصیل و طلبگی فوق‌العاده مشتاق دیدار جمال دل آرای حضرت بقیة الله علیه السلام بودم و عهد نمودم که چهل شب هر چهارشنبه پیاده به مسجد سهله مشرف شده، در آنجا بیتوته نمایم. به این قصد که به فوز دیدار امام عصر علیه السلام نائل شوم. بر این عمل مداومت داشتم تا شب چهارشنبه سی و ششم یا سی و پنجم. اتفاقاً آن شب قدری دیرتر از شب‌های پیشین حرکت نمودم. هوا ابری و بارانی بود. در نزدیکی مسجد شریف سهله خندقی وجود داشت. هنگامی که قدم به آن خندق گذاشتم، تاریکی همه جا را فرا گرفته بود. در آن حال، وحشت و خوف از سارقین (که در آن زمان زیاد بود) مرا فراگرفت؛ ناگهان از پشت سر صدای راه رفتن کسی به گوشم رسید. وحشت من افزون شد. برگشتم و نگاه کردم. سید عربی را با لباس اهل بادیه دیدم. (جای تعجب است که در آن تاریکی چگونه سید بودن وی را تشخیص دادم؛ اما در آن زمان به فکر نیفتادم و غافل بودم).

او پیش آمد و با زبان فصیح فرمود: «یا سید سلام علیکم» که وحشت من زایل شد و آرامش پیدا کردم و با آن سید عرب شروع به صحبت نمودم و به راه رفتن ادامه دادیم. آن سید پرسید: «کجا می‌روید؟» عرض کردم: «به مسجد سهله و به قصد تشریف به حضور مولا و امام زمان حضرت بقیة الله علیه السلام». پس از چند قدم که

## فصل اول: مساجد تاریخی شهر کوفه ۶۷

رفتیم، به مسجد زید بن صوحان رسیدیم. آن مرد عرب گفت: «خوب است وارد مسجد شویم. پس هر کدام دو رکعت نماز به جا آورده و دعای پس از نماز را خواندیم». آن شخص عرب آن دعا را از حفظ می‌خواند. در آن هنگام گویی تمام اجزا و ارکان مسجد با وی آن دعا را می‌خواندند.

انقلابی عجیب در خود مشاهده می‌کردم که از توصیف آن عاجزم. پس از اتمام دعا، آن مرد عرب به سوی من نگاه کرد و گفت: «یا سید آیا گرسنه‌ای؟ خوب است شامی خورده و پس از آن به مسجد سهله برویم». سفره غذایی را از زیر عبای خود بیرون آورد. میان آن سفره سه قرص نان و دو سه دانه خیار بسیار سبز بود که گویی تازه از بستان چیده شده بودند و حال آنکه آن زمان چله زمستان بود. من با مشاهده همه این حالات باز هم انتقال پیدا نکردم که آن شخص عرب کیست!

پس از صرف شام به مسجد سهله رفتیم و آن سید عرب تمام اعمال مسجد سهله را به جا آورد و من هم از او پیروی کردم. هنگامی که فریضه مغرب و عشا را به جای آورد، من هم به او اقتدا کردم؛ بدون اینکه از خود بیرسم که این شخص عرب کیست! سپس آن سید عرب به من گفت که آیا شما نیز پس از اعمال مسجد سهله به مسجد کوفه می‌روید یا در مسجد سهله می‌مانید؟ من گفتم می‌مانم. سپس با آن سید عرب در وسط مسجد بر سکوی مقام امام صادق علیه السلام نشستیم و من به آن سید عرب عرض کردم آیا

چای، قهوه یا دخانیات میل دارید تا حاضر کنم؟ آن سید گفت این امور «فضول معاش» هستند و ما از آنها اجتناب می‌کنیم. این کلمه در من تأثیر بسیار گذاشت؛ به طوری که اکنون هم هر وقت یک استکان چای صرف می‌کنم، فرمایش آن سید عرب در نظرم می‌آید و اعضای من مرتعش می‌شود.

به هر حال مجلس ما دو سه ساعت به طول انجامید و در خلال آن مطالبی مطرح شد که اختصاراً به این شرح است: آن سید مطالبی در چگونگی استخاره کردن ارائه کرد و تأکید نمود به خواندن برخی از سوره‌ها پس از نمازهای واجب یومیه و خواندن دو رکعت نماز بین نمازهای مغرب و عشا و مطالبی دیگر. پس از آن صحبت‌ها من برای رفع حاجتی از جای برخاستم و به سمت در مسجد حرکت کردم که سر حوض بروم. وسط راه به ذهن من خلجان نمود که این چه شبی است و این سید عرب صاحب فضایل کیست؟ شاید همان مطلوب و گمشده من است. به مجرد خطور این مطلب به ذهنم، داخل مسجد برگشتم و متوجه شدم که از آن سید عرب اثری نیست و اصلاً کسی در مسجد حضور ندارد و حال آنکه من هنوز از مسجد بیرون نرفته بودم؛ به این ترتیب من به مراد خود رسیده بودم، درحالی که او را نشناخته بودم. از این رو دیوانه‌وار اطراف مسجد تا صبح قدم زدم؛ نظیر عاشقی دلسوخته که معشوق خود را گم کرده است.<sup>۱</sup>

۱. طباطبائی، ملاقات علمای بزرگ اسلام با امام زمان، ص ۹۵.

### ۳. مسجد زید

زید بن صوحان عبدی معروف به «زید خیر» اهل عمان، در زمان رسول خدا ﷺ ایمان آورد، ولی رسول خدا ﷺ را ندید. از یاران امیرالمؤمنین علیؑ و مردی شجاع و پرهیزکار بود. در جنگ جلولایا قادسیه دستش قطع شد و در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین علیؑ به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

امام علیؑ درباره او از رسول خدا ﷺ روایت کرد: «من سرّه أن ينظر إلى رجل تسبقه بعض أعضائه إلى الجنة، فليُنظر إلى زید بن صوحان»؛<sup>۲</sup> «کسی که مسرور می شود به مردی نظر کند که بعضی از اعضایش زودتر به بهشت می روند، به زید بن صوحان بنگرد».

در یکی از روزهای جنگ جمل زید نزد امیرالمؤمنین علیؑ آمد و عرض کرد: «یا امیرالمؤمنین، در عالم رؤیا دیدم که دستی از آسمان به سوی من طلوع کرد. شک ندارم که من کشته می شوم؛ اجازه بده به سوی عایشه بروم و با او صحبت کنم».<sup>۳</sup>

اصبغ بن نباته می گوید: هنگامی که در جنگ جمل زید مجروح شد امیرالمؤمنین علیؑ به بالینش آمد و فرمود:

رَحِمَكَ اللهُ يَا زَيْدُ فَوَاللَّهِ مَا عَرَفْتُكَ إِلَّا خَفِيفَ الْمُتَوَكِّلِ كَثِيرِ الْمُعْوَنَةِ.<sup>۴</sup>

خدا رحمت کند تو را ای زید که نشناختم تو را مگر اینکه کم هزینه و پرفایده بودی.

۱. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۸.

۲. ابن کثیر، البدایة و النہایة، ج ۳، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۳. ابن حیون، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۳۷۹.

۴. الغارات، ج ۲، ص ۸۹۴.

زید سرش را بلند کرد و عرض کرد:

و تو مولای من هستی خداوند تو را رحمت کند که به خدا قسم  
شناختم تو را مگر اینکه به خدا عالم بودی و به نشانه‌های او آگاه.  
به خدا قسم در کنار تو از روی جهل ننگیدم، بلکه از حذیفه یمانی  
شنیدم که از رسول خدا ﷺ شنیده بود که می‌فرمود: «علی امیر  
نیکان و قاتل فاجران است؛ یاری می‌شود کسی که او را یاری کند  
و خوار می‌گردد کسی که او را خوار سازد. آگاه باشید حق با او و  
تابع اوست. پس به سوی او میل کنید.»<sup>۱</sup>

مسجد کوچکی به نام زید در مقابل مسجد سهله بنا شده است که به  
مسجد زید معروف است و گفته شده محل تهجد و عبادت زید بن  
صوحان بوده است.

ابراهیم بن هاشم می‌گوید در مسجد سهله با مردی آشنا شدم که پس  
از انجام نماز و دعا در مسجد سهله از آن خارج، و ما به دنبال او رفتیم تا  
به مسجد کوچکی مقابل مسجد سهله وارد شد. دو رکعت نماز با سکینه  
و طمأنینه خواند، همان‌طور که در مسجد سهله خواند. سپس دستان خود  
را گشود و گفت:

إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِي الْمَذْنِبُ يَدَيْهِ لِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ، إِلَهِي قَدْ جَلَسَ  
الْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُؤَمَّرًا لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، رَاجِيًا مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَّتِهِ،  
إِلَهِي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفْمِيهِ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ، فَلَا تُحْيِيهِ بِرَحْمَتِكَ مِنْ  
فَضْلِكَ، إِلَهِي قَدْ جَثَا الْعَائِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ، خَائِفًا مِنْ يَوْمٍ يَجْثُو

فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ. إِلَهِي قَدْ جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فَرِعَا مُشْفِقًا وَرَفَعَ  
إِلَيْكَ طَرَفَهُ حَذْرًا رَاجِيًا، وَفَاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِرًا نَادِمًا، وَعَزَّتْكَ وَ  
جَلَالِكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُحَالَفَتَكَ، وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا  
بِكَ جَاهِلٌ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لِنَظَرِكَ مُسْتَخْفٍ، وَلَكِنْ  
سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ أَعَانَنِي عَلَى ذَلِكَ شِقُوقِي، وَ عَرَّبَنِي سِرُّكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ،  
فَمَنْ الْآنَ مِنْ عَدَابِكَ يَسْتَنْقِذُنِي، وَ بِحَبْلِ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ  
عَنِّي. فَيَا سَوَاتَاهُ عَدَاً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِذَا قَبِلَ لِلْمُخْفِينَ جُوزُوا،  
وَلِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا، أَفَمَعَ الْمُخْفِينَ أَجُوزُ أَمْ مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحَطُّ، وَيَلِي كُلَّمَا  
كَبُرَتْ سِنِّي كَثُرَتْ ذُنُوبِي، وَيَلِي كُلَّمَا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعَاصِيِي، فَكَمْ  
أَتُوبُ وَ كَمْ أَعُودُ، أَمَا أَنْ لِي أَنْ أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
مُحَمَّدٍ ارْحَمْنِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرِ الْغَافِرِينَ.  
سپس گریست و گونه راست خود را بر زمین نهاد و فرمود: «ارْحَمْ  
مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ، وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ».

سپس گونه چپ خود را بر خاک نهاد و فرمود: «عَظْمُ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ  
فَلْيُحْسِنِ الْعُقُوبُ مِنْ عِنْدِكَ، يَا كَرِيمُ».

از مسجد خارج شد، دنبال او رفتم و عرض کردم: «مولای من این  
مسجد به چه نامی شناخته می شود؟» فرمود:

«این مسجد زید بن صوحان، صحابی علی بن ابی طالب علیه السلام است و  
آنچه را هم که خواندم دعای او و تهجد اوست». بعد از آن از دیدگان ما  
غایب شد و او را ندیدیم. همراه من گفت: «او حضرت خضر علیه السلام بود».<sup>۱</sup>

علامه مجلسی می‌گوید: «شاید آن کسی که این دعا را از خضر ع نقل کرده و محتاج به دیدن اوست، حضرت ولی عصر ع بوده است».<sup>۱</sup>

#### ۴. مسجد صعصعه

در کنار مسجد سهله مسجد دیگری وجود دارد که به مسجد صعصعه مشهور است. صعصعه بن صوحان برادر زید بن صوحان، ۲۴ سال قبل از هجرت به دنیا آمد در زمان رسول خدا ص مسلمان شد، ولی توفیق دیدار رسول خدا ع را پیدا نکرد. او از اصحاب نزدیک امام علی ع بود. امیرالمؤمنین علی ع درباره او فرمود: «هذا الخطيب الشحشح»؛<sup>۲</sup> «او خطیبی تواناست».

در جنگ‌ها در کنار حضرت علی ع حضور داشت. پس از شهادت امام علی ع، معاویه او را به بحرین تبعید کرد و در همان‌جا از دنیا رفت و قبر او زیارتگاه مردم گردید.<sup>۳</sup>

علی بن محمد بن عبدالرحمان شوشتری<sup>۴</sup> گفت: «به قبیله بنی‌رواس عبور کردم، بعضی از دوستانم گفتند: اگر تمایل داشته باشی، به مسجد صعصعه برای نماز برویم. ماه رجب است و در این ماه زیارت مواضعی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۳.

۲. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳. همان.

۴. مراد از محمد بن عبدالرحمان ظاهراً محمد بن عبدالرحمان عبدی است که حسین و محمد، فرزندان علی بن ابراهیم هاشم، از او نقل روایت می‌کنند. (خوئی، معجم الرجال، ج ۱۶، ص ۳۳۰).



که جای پای اولیای خدا و محل نماز آنهاست مستحب است و مسجد صعصعه از آن موارد است».

با آنها به مسجد صعصعه رفتیم. جلو در شتری خوابیده بود. وارد مسجد شدیم. جوانی داخل مسجد بود که لباس حجازی به تن داشت و عمامه‌اش مانند عمامه آنها بود؛ ایستاده بود و دعا می‌خواند که من و رفیقم آن را حفظ شدیم.<sup>۱</sup>

سپس به سجده طولانی رفت و برخاست و مرکب خود را سوار شد و رفت، همراه من گفت او حضرت خضر علیه السلام بود. چه شد ما را که نتوانستیم با او سخن بگوییم، مانند اینکه بر دهان ما مهر خورده بود.

از مسجد خارج شدیم ابن ابی داوود روایی را ملاقات کردیم. سؤال کرد از کجا می‌آیید؟ گفتم از مسجد صعصعه و آنچه دیده و شنیده بودیم نقل کردیم. او گفت: «این سوار دو سه روز است که به این مسجد می‌آید و با هیچ کس سخن نمی‌گوید». گفتیم او کیست؟ گفت: شما چه فکر می‌کنید؟ گفتیم گمان می‌کنیم او خضر باشد. او گفت: «به خدا ما او را نمی‌دانم مگر کسی که حضرت خضر هم محتاج دیدن اوست». دوستم به من گفت: «او به خدا قسم صاحب الزمان علیه السلام است».<sup>۲</sup>

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید این جریان را ابراهیم بن هاشم نقل می‌کند. اگر چه ابراهیم بن هاشم فردی موثق است، اما این جریان را به

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۲. همان، ص ۱۴۶.

هیچ معصومی استناد نمی‌دهد و فردی که این اعمال را در این مسجد انجام داده است نمی‌شناسد و احتمال می‌دهد او حضرت خضر علیه السلام یا حضرت ولی عصر علیه السلام بوده باشد. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم معصوم چنین اعمالی را توصیه کرده‌اند؛ اگر چه دعا کردن و نماز خواندن در هر مکانی مناسب است و در مسجد ارجحیت دارد.

## فصل دوم: مزارات

### ۱. مرقد مسلم بن عقیل علیه السلام

#### الف) زندگینامه مسلم

مسلم فرزند عقیل، فرزند ابوطالب، بود. درباره تاریخ ولادت او اطلاع دقیقی در دست نیست. مسلم در دوران نوجوانی در جنگ صفین حضور داشت. اگر حداقل سن او را در آن جنگ پانزده سال فرض کنیم، زمان ولادت او حدود سال ۲۴ هجری بوده است. مسلم با رقیه یا ام کلثوم، دختر امیرالمؤمنین علیه السلام ازدواج کرد و ثمره این ازدواج یک پسر به نام عبدالله<sup>۱</sup> یا دو فرزند به نام‌های عبدالله و علی بود.<sup>۲</sup>

مسلم بن عقیل پس از امتناع امام حسین علیه السلام از بیعت با فرستاده یزید در مدینه همراه حضرت از مدینه خارج و به مکه آمد. در کنار امام حسین علیه السلام بود تا اینکه نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام رسید و

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۹.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۷۰-۷۱.

حضرت را به کوفه دعوت، و آمادگی خود را برای یاری ایشان اعلام کردند.

### ب) فرستادن مسلم به کوفه

امام حسین علیه السلام برای بررسی اوضاع و درستی ادعای کوفیان مسلم را به کوفه فرستاد.<sup>۱</sup> مسلم در ۵ شوال به کوفه رسید<sup>۲</sup> و در خانه مختار بن ابی عیبه تقفی<sup>۳</sup> یا منزل مسلم بن عوسجه<sup>۴</sup> ساکن شد.<sup>۵</sup> مسلم پس از اقامت در کوفه شروع به گرفتن بیعت برای امام حسین علیه السلام کرد. مردم به نیابت از امام حسین علیه السلام با مسلم بن عقیل بیعت می کردند که امام حسین علیه السلام را یاری کنند.<sup>۶</sup> مورخان تعداد بیعت کنندگان را متفاوت اعلام کرده اند؛ برخی دوازده هزار،<sup>۷</sup> بعضی دیگر هجده هزار<sup>۸</sup> و دینوری سی هزار نفر نقل کرده است.<sup>۹</sup>

مسلم بن عقیل نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشت و اوضاع کوفه را برای امام گزارش، و ایشان را به کوفه دعوت کرد.<sup>۱۰</sup>

۱. مفید، الارشاد، ص ۲۹۵-۲۹۷.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۶.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۴۱.

۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۴۷.

۵. همان، ۳۵۴-۳۵۵.

۶. مقرر، شهید مسلم بن عقیل، ص ۱۰۴.

۷. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۵۵.

۸. همان، ص ۳۴۷.

۹. ابن قتیبه دینوری، أخبار الطوال، ص ۲۳۱.

۱۰. مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۶.

### ج) ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه

عبیدالله بن زیاد از سوی یزید به عنوان حاکم کوفه با نقشه‌ای فریبکارانه وارد کوفه و دارالاماره شد. مردم متوجه شدند که فریب خورده‌اند.<sup>۱</sup>

با آمدن عبیدالله بن زیاد به کوفه و پخش خبر تهدیدها و اقدامات او، فضای کوفه ناامن شد. مسلم بن عقیل برای حفظ امنیت خود از خانه مختار خارج، و به خانه هانی بن عروه (یکی از بزرگان کوفه) رفت.<sup>۲</sup> از آن پس، دیدار با مسلم محدود و در خانه هانی صورت می‌گرفت.<sup>۳</sup> اما هانی هم به دست ابن زیاد گرفتار شد. هنگامی که خبر دستگیری هانی به مسلم رسید، مسلم با پیروان خود قیام کرد.

### د) قیام مسلم

سه یا چهار هزار نفری<sup>۴</sup> که با مسلم بیعت کرده بودند دارالاماره کوفه را محاصره کردند. ابن زیاد از سران قبایل خواست که به میان جمعیت بروند و با تطمیع و تهدید مردم از رسیدن سپاه شام، آنان را از یاری مسلم بازدارند.<sup>۵</sup> تهدیدها و تطمیع‌ها کارگر افتاد و جمعیت از اطراف مسلم پراکنده شدند.

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۳.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۹.

۳. ابن قتیبہ دینوری، أخبار الطوال، ص ۲۳۵.

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۹.

۵. الارشاد، ج ۲، ص ۵۲.

مسلم پس از تنهایی و سرگردانی در کوچه‌های کوفه به خانه طوعه پناه برد و پس از آنکه با حيله دستگیر شد،<sup>۱</sup> او را نزد ابن زیاد بردند. از مشاجراتی که میان وی و مسلم گذشت، دستور داد وی را به بالای قصر برده و سرش را از بدن جدا کنند.<sup>۲</sup>

ابن زیاد سرهای مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را به شام نزد یزید فرستاد و بدن آنها مدتی در کناسه کوفه از پا به دار آویخته بودند.<sup>۳</sup>

### ه) تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل



اولین بار مختار ثقفی در شعبان سال ۶۵ هجری، پس از پیروزی در کوفه، دستور داد روی قبر مسلم سنگی از مرمر نهادند و بنایی بر آن ساختند.<sup>۴</sup>

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۵۴-۵۵.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۵۰.

۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۶۲.

۴. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۱۱.

ابن جبیر در سفرنامه خود از وجود این بنا در شرق مسجد جامع کوفه بر قبر مسلم گزارش کرده است.<sup>۱</sup> این بنا بارها مورد مرمت یا تعمیر اساسی قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۵ قمری با اجازه آیت الله حکیم به تعمیر و توسعه حرم پرداختند و به دستور ایشان ضریح طلا و نقره‌کاری شده‌ای روی قبر نصب کردند و در سال ۱۳۸۷ قمری گنبد آن را شروع به طلا کاری کردند.<sup>۲</sup> این آستانه اکنون به صورت چهارگوش و به مساحت ۱۰۶ متر مربع، و از سه طرف دارای رواق است. رواق جنوبی آن به قبر مختار متصل است و در مقابل قبر یک ایوان بزرگ قرار دارد. بر روی قبر نیز ضریحی نقره‌ای کار گذاشته شده است.<sup>۳</sup> ابن مشهدی در کتاب *مزار الکبیر زیارتنامه‌ای برای مسلم بن عقیل* نقل کرده است.<sup>۴</sup>

## ۲. مرقد هانی بن عروه

هانی بن عروه از طایفه بنی‌مراد، از قبیله مذحج<sup>۵</sup> و اهل یمن بود که در سفر تبلیغی امیرالمؤمنین علیه السلام به یمن مسلمان شدند و بعدها به کوفه مهاجرت کردند. هانی بن عروه رئیس قبیله مذحج،<sup>۶</sup> و از یاران خاص امام علی علیه السلام و از تابعین است.

۱. ابن جبیر، *رحلة ابن جبیر*، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. بحرالعلوم و خامه‌یار، *زیارتگاه‌های عراق*، ج ۱، ص ۱۱۶.

۳. جمعی از نویسندگان، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱، ص ۱۱۱.

۴. همان، ص ۱۷۹.

۵. امین، *اعیان الشیعة*، ج ۷، ص ۳۴۴.

۶. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۶۹.

### الف) هانی بن عروه پیش از ورود مسلم به کوفه

تا پیش از ورود مسلم بن عقیل به کوفه از زندگی هانی بن عروه اطلاعات کمی وجود دارد. او در جنگ‌های تحمیلی بر علی علیه السلام حضور داشت<sup>۱</sup> و در جنگ جمل رجز می‌خواند.<sup>۲</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام زمان خلافتشان در کوفه با وی مشورت کردند.<sup>۳</sup>

پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام هانی یکی از مخالفان سرسخت معاویه بود که در قیام حجر بن عدی بر ضد زیاد بن ابیه حضور داشت.<sup>۴</sup> معاویه پدر هانی (عروه) را در جریان قیام حجر بن عدی به مرگ محکوم کرد که با وساطت زیاد بخشیده شد.<sup>۵</sup>

### ب) هانی بن عروه پس از ورود مسلم به کوفه

هانی با اینکه در کربلا حضور نداشت ولی نام او با قیام امام حسین علیه السلام عجین و ماندگار شده است.

پس از ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه و امنیتی شدن فضای کوفه مسلم بن عقیل در خانه هانی مخفی شد.<sup>۶</sup> اگر چه بنا بر بعضی نقل‌ها هانی با آمدن مسلم به خانه‌اش موافق نبود.<sup>۷</sup> چون در آن اوضاع

۱. ابن اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۵، ص ۴۰.

۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل علی بن ابی طالب*، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. ابن مزاحم، *وقعة الصفین*، ص ۱۳۷.

۴. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۵، ص ۲۴۷.

۵. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۶۹.

۶. مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۴۵.

۷. ابو مخنف، *وقعة الطف*، ص ۱۱۱.



به استقبال خطر بزرگ رفتن بود. ولی چون مسلم به خانه او پا نهاده بود او را پذیرفت.<sup>۱</sup>

عبیدالله هانی را به قصر خود دعوت کرد.<sup>۲</sup> هنگامی که هانی نزد او وارد شد، عبیدالله از در خیرخواهی در آمد و به او گفت: «مسلم را نزد من بیاور». هانی این کار را غیر ممکن دانست. ابن زیاد گفت: «گردنت را خواهم زد». هانی گفت: «به خدا شمشیرهای برنده در اطراف خانه تو فراوان گردد». ابن زیاد آن قدر با چوبدستی به سر و صورت هانی زد که بینی او شکست.<sup>۳</sup>

خبر کشته شدن هانی، قبیله مذحج را به حرکت در آورد و با فرماندهی عمرو بن حجاج، کاخ عبیدالله را به محاصره در آوردند و خواهان آزادی هانی شدند. شریح قاضی به سفارش ابن زیاد قبیله مذحج را از اطراف قصر پراکنده کرد.<sup>۴</sup>

با شکست قیام مسلم و شهادت وی، عبیدالله بن زیاد دستور داد هانی را به بازار فروش حیوانات برده و گردن بزنند.<sup>۵</sup>

پس از شهادت، سر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه به شام نزد یزید فرستاده شد و بدنشان به دنبال اسب در کوچه‌های کوفه کشانده شد. به دستور عبیدالله بدن هانی را وارونه بر دار کشیدند. پس از چند روز، بنا

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۵.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۶۹.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۴۸-۴۹.

۴. همان، ص ۴۹-۵۱.

۵. همان، ص ۱۲۴.

بر بعضی نقل‌ها، قبیله مذحج بدن مسلم و هانی را کنار مسجد کوفه به‌خاک سپردند.<sup>۱</sup> ابن مشهدی برای هانی بن عروه زیارتنامه‌ای بیان کرده است.<sup>۲</sup>

### ج) تاریخچه بنای مرقد هانی

درباره تاریخچه بنای مرقد هانی بن عروه اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی می‌توان به احتمال زیاد بنای مرقد هانی را با بنای مرقد مسلم بن عقیل همزمان دانست؛ به ویژه تعمیراتی که در سده اخیر برای بازسازی مرقد مسلم صورت گرفته به‌علت تقارن مکانی این دو مزار در بازسازی مرقد هانی هم صورت گرفته است.

### ۳. قبر مختار بن ابی‌عبیده ثقفی

مختار بن ابی‌عبیده بن مسعود ثقفی<sup>۳</sup>، کنیه‌اش ابواسحاق<sup>۴</sup> و لقبش کیسان<sup>۵</sup> و پدرش ابوعبید از اصحاب رسول خدا ﷺ بود.<sup>۶</sup> تولد مختار را سال اول هجرت گفته‌اند.<sup>۷</sup>

۱. مشهدی، فضل الكوفة و مساجدها، ص ۸۷.

۲. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۳. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۴، ص ۳۴۳.

۴. همان.

۵. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۷.

۶. أسد الغابة، ج ۴، ص ۳۴۷.

۷. ابن اثیر، الكامل، ج ۲، ص ۱۱۱.

## الف) مختار قبل از قیام

در جنگ با خوارج عمومی مختار، سعد بن مسعود، استاندار مدائن، مختار را جانشین خود در مدائن کرد و به جنگ با خوارج رفت.<sup>۱</sup>

درباره رفتارهای نامناسب با امام حسن علیه السلام نسبت‌هایی به مختار داده شده است که بزرگانی مانند آیت الله خوئی<sup>۲</sup> و سید محسن امین<sup>۳</sup> و دیگر صاحب‌نظران آن را بی‌اساس و ساخته بنی‌امیه یا برای امتحان عمومی خود سعد بن مسعود می‌دانند.

در دوران معاویه مختار برای امام حسین علیه السلام تبلیغ می‌کرد. بنا بر نقل ذهبی او در بصره مردم را به سوی امام حسین علیه السلام دعوت می‌کرد که توسط والی بصره، عبیدالله بن زیاد، دستگیر شد و به صد ضربه شلاق محکوم، و به طائف تبعید شد.<sup>۴</sup>

ورود مسلم بن عقیل به خانه مختار<sup>۵</sup> و کمک به مسلم در بیعت گرفتن از مردم کوفه برای امام حسین علیه السلام،<sup>۶</sup> نشان از ارتباط مختار با امام حسین علیه السلام و جایگاه او نزد پیروان اهل بیت دارد.

مختار برای جمع‌آوری نیرو به بیرون از کوفه رفته بود که قیام مسلم

۱. دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۵۰.

۲. خوئی، معجم الرجال، ج ۱۸، ص ۹۷.

۳. امین، اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۲۳۰.

۴. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، ص ۶۲۹.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۳، ص ۵۴۴.

۶. اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۲۳۱.

صورت گرفت و مسلم و هانی شهید شدند<sup>۱</sup> و مختار هنگام ورود به کوفه دستگیر و زندانی شد و توفیق حضور در کربلا را پیدا نکرد.<sup>۲</sup> مختار پس از واقعه کربلا از زندان عبدالله آزاد شد<sup>۳</sup> و به مکه رفت و با عبدالله بن زبیر بیعت کرد.<sup>۴</sup> پس از مرگ یزید مخفیانه از مکه به کوفه بازگشت<sup>۵</sup> و توسط والی زبیری کوفه دستگیر، و بار دیگر زندانی شد.<sup>۶</sup> ولی این بار هم با وساطت عبدالله بن عمر آزاد شد.<sup>۷</sup>

### ب) قیام مختار

در چهاردهم ربیع الاول سال ۶۶ قمری مختار قیام کرد<sup>۸</sup> و با غلبه بر حاکم زبیری، ابن مطیع، بر کوفه مسلط شد.<sup>۹</sup> آن گاه به خونخواهی قاتلان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پرداخت و توانست بسیاری از قاتلان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام - مانند عبدالله بن زیاد، شمر بن ذی الجوشن، عمر بن سعد، خولی بن یزید، حرملة بن کاهل اسدی و... - را به مجازات برساند.<sup>۱۰</sup>

۱. ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۳، ص ۵۴۴.

۲. ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۳.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۵۶۹.

۴. ابن جوزی، المنتظم، ج ۶، ص ۲۹.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۳.

۹. همان، ص ۴۴.

۱۰. همان.

مختار پس از هجده ماه حکومت و جنگیدن با سه گروه، یعنی مروانین حاکم بر شام، زبیریان حاکم بر حجاز و اشراف کوفه و قاتلان امام حسین علیه السلام سرانجام در ۱۴ رمضان سال ۶۷، درحالی که ۶۷ سال از عمرش می گذشت، به دست مصعب بن زبیر کشته<sup>۱</sup> شد. مصعب دست مختار را قطع کرد و بر دیوار مسجد کوفه نصب نمود<sup>۲</sup>. بدن مختار در کنار مسجد کوفه دفن گردید.

### ج) مختار از نگاه معصومین علیهم السلام

در روایات متعددی از معصومین از مختار تمجید شده است. امام سجاد علیه السلام درباره او فرمود: «خدا به مختار جزای خیر دهد».<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام در ملاقات با ابوالحکم بن مختار، پس از تکریم وی از مختار نیز تمجید کرد و فرمود: «خدا پدرت را رحمت کند».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس از واقعه عاشورا هیچ زنی از زنان ما آرایش نکرد تا زمانی که مختار سر بریده عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد را برای ما فرستاد».<sup>۵</sup>

### د) آرامگاه مختار

قبر مختار بن ابوعبیده ثقفی کنار مسجد کوفه و کنار حرم مسلم بن

۱. مقدسی، *آفرینش و تاریخ*، ج ۲، ص ۹۱۳.

۲. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۲۰.

۳. اربلی، *کشف الغمّة*، ص ۲۵۴.

۴. *آفرینش و تاریخ*، ج ۲، ص ۹۱۱.

۵. کشی، *رجال کشی*، ص ۱۲۷.

عقیل قرار دارد. در سال ۱۱۸۱ قمری (آیت الله سیدمهدی بحرالعلوم) به سردابی که از طرف مسجد به طرف دارالاماره می‌رفت برخورد. آنجا سنگی وجود داشت که روی آن نوشته بود: «هذا قبر مختار بن ابی عبیده النقفی الآخذ بثرات الحسین علیه السلام»<sup>۱</sup>. بنا بر نقلی دیگر قبر مختار با راهنمایی فرزند علامه بحرالعلوم (سیدرضا) و توسط شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ عراقین مشخص شد.<sup>۲</sup>

این بنا بارها بازسازی شده و امروزه به حرم مسلم بن عقیل ملحق گردیده است.

#### ۴. مرقد میثم تمار

میثم فرزند یحیی از خرمافروشان کوفه بود و به همین سبب لقب تمار گرفت. او از اهالی «نهروان» و از اصحاب پاک‌باخته امیرالمؤمنین علیه السلام است. از سال‌های آغازین زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست. او ابتدا برده زنی از بنی‌اسد بود که در اولین دیدار خود با امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه مورد توجه حضرت قرار گرفت. در آن ملاقات علی علیه السلام از میثم پرسید: «نامت چیست؟» گفت: «سالم». علی علیه السلام فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که پدرت نام تو را میثم گذاشته است؛ به همان نام برگرد و کنیه‌ات را ابوسالم قرار بده». عرض کرد: «خدا و رسولش راست گفته‌اند و شما هم راست می‌گویید

۱. الجبوری، تاریخ الکوفه، ص ۱۰۶.

۲. براقی نجفی، تاریخ کوفه، ترجمه سعید، راد رحیمی، ص ۱۱۲.

ای امیر مؤمنان؛ نام من میثم است».<sup>۱</sup> بعد از آن، حضرت او را از آن زن خرید و آزاد کرد.<sup>۲</sup>

### خبر امیرالمؤمنین علیه السلام از نحوه شهادت او

روزی حضرت علی علیه السلام به میثم فرمود:

يَا مَيْثَمُ إِنَّكَ تُؤَخِّدُ بَعْدِي وَتُصَلِّبُ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمَ الثَّانِي ابْتَدَرَ مِنْخَرَكَ  
وَفَمُكُ دَمًا حَتَّى تُخَضَّبَ لِحْيَتِكَ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثُ، طُعِنْتَ بِحَرْبَةٍ  
فَيُقْتَضَى عَلَيْكَ.<sup>۳</sup>

ای میثم تو بعد از من دستگیر می شوی و به دار کشیده می شوی؛ در روز دوم زبانت را می برند و لجام بر دهنت می زنند که محاسنت به خون خضاب می شود و در روز سوم ضربه‌ای به تو می زنند و شهید می شوی.

یوسف بن عمران می گوید: از میثم شنیدم که می گفت امیرالمؤمنین علیه السلام مرا فراخواند و فرمود: «یا میثم چگونه خواهی بود هنگامی که عبید الله بن زیاد - لعنت الله علیه - عامل بنی امیه تو را به برائت از من بخواند؟» عرض کردم: «ای مولای من به خدا قسم هرگز از تو تبری نخواهم جست». فرمود: «به خدا قسم تو را خواهد کشت و به دار خواهد آویخت و در این صورت با من و در درجه من خواهی بود».<sup>۴</sup>

۱. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. همان.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۱۳۳.

امام علی علیه السلام در کیفیت شهادت او فرمود:

تو را بر درخت خرمایی که جلوی خانه عمرو بن حریث قرار دارد بر دار می‌کشند و در روز سوم بر بینی و دهانت لجام می‌زنند و خون از دهانت جاری می‌شود و محاسنت به این خون خضاب می‌شود و دست و پایت قطع خواهد شد و دهمین از ده نفری خواهی بود که به دار آویخته می‌شوی که چوبه دارش از همه کوتاه‌تر خواهد بود و به محل تطهیر نزدیک‌تر است؛ بیا تا آن نخل را به تو نشان دهم.<sup>۱</sup>

میثم با خبری که امام به او داده بود، بسیاری از اوقات نزد آن درخت آمده و کنارش نماز می‌خواند و می‌گفت: «مبارکت باد ای نخل، من را برای تو آفریده‌اند و تو برای من رویده‌ای و همواره به آن نخل نگاه می‌کرد».<sup>۲</sup>

### دستگیری و شهادت میثم

در دورانی که میثم در کوفه نبود مسلم بن عقیل در کوفه قیام کرد و به شهادت رسید و اوضاع کوفه امنیتی شد. بسیاری از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام به دست ابن زیاد دستگیر شدند و به زندان افتادند. میثم از مدینه به سوی کوفه برگشت که «ابن زیاد» دستور دستگیری او را پیش از رسیدن به شهر صادر کرد. از این رو میثم را در «حیره یا قادسیه» دستگیر کردند. و او را به کوفه و نزد عبیدالله بن زیاد بردند.

ابن زیاد گفت: «باید از علی علیه السلام تبری بجویی و با ابراز تنفر، او را به

۱. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. همان.



زشتی یاد کنی؛ وگرنه دست‌ها و پاهایت را بریده و بر دار می‌آویزم». میثم در مقابل این تهدید گفت: «علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به من خبر داده است که من را به دار می‌آویزی». ابن زیاد برای جبران این وضع نامطلوب که پیش آمده بود، گفت: «وای بر تو! با سخنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درخواهم افتاد. (بر خلاف آن پیشگویی عمل می‌کنم)».

میثم گفت: «چگونه؟! درحالی که این خبر را علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر و او از جبرئیل و جبرئیل هم از طرف خدا بیان کرده است. به خدا سوگند از مکانی هم که در آن به دار آویخته می‌شوم به خوبی آگاهم که در کجای کوفه است و من نخستین مسلمانی هستم که در راه اسلام بر دهانم لجام زده خواهد شد».

ابن زیاد با شنیدن این سخن بیشتر برآشفته و گفت: «به خدا قسم دست و پایت را قطع کرده و زبانت را رها می‌گذارم تا دروغ مولایت و دروغ تو آشکار شود و همان دم دستور داد که دست و پایش را قطع کنند و بر دارش آویزند».<sup>۱</sup>

میثم را به دار آویختند. او بر فراز دار با صدایی رسا مردم را برای شنیدن احادیث سری علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرا می‌خواند و از فضائل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌گفت. بیان حقایق و افشاگری‌های میثم، در آن آخرین لحظه‌های حیات و از بالای دار، چنان مؤثر و تکان‌دهنده بود که به «ابن زیاد» خبر

۱. در گذشته به دار آویختن بیشتر به این صورت بود که شخص را با طناب از دار می‌آویختند؛ ولی نه از گلو، بلکه از کتف‌ها. مصلوب نه بر اثر خفه شدن، بلکه بر اثر فشار طناب و گرسنگی و... بود که پس از چندی به تدریج جان می‌داد.

دادند «این بنده شما را رسوا کرد». گفت: «به دهانش لجام بزیند». میثم، اولین کسی بود که در راه اسلام بر دهانش لجام زده شد. روز سوم مردی نزدیک میثم آمد و با نیزه به او اشاره کرد و گفت: «به خدا قسم می‌دانم که اهل عبادت بودی و شب‌ها را به مناجات به سر می‌بردی». آن گاه با نیزه چنان ضربتی بر پهلو و شکم میثم فرود آورد که پیکرش دریده شد.<sup>۱</sup>

مدتی پیکر پاک و مطهر میثم پس از شهادتش بر سر دار بود. این زیاد برای ایجاد رعب و ترس در میان مردم اجازه نداد که بدن مقدس او را فرود آورده و به خاک بسپارند. پس از مدتی هفت تن از مسلمانان غیور و متعهد، که از همکاران خرمافروش بودند، میثم را از چوبه دار باز کردند و در محل برکه آبی که خشک شده بود دفن نمودند.<sup>۲</sup>

### بنای مرقد میثم تمار

هم اکنون مزار میثم تمار در نزدیکی مسجد کوفه و خانه منسوب به امام علی علیه السلام دارای بنای رفیع و زیباست. از تاریخ اولین بنای بر این مزار اطلاع دقیقی در دست نیست. بعید نیست که اولین نشانه‌ها به دوران حکومت مختار بر کوفه باز گردد. اما آنچه مسلم است، حاج محمد رشاد بن ناصر مرز [مرضه] نجفی ساختمان فعلی آن را در نیمه دوم قرن ۱۴ قمری با صرف مبلغ چهل هزار دینار عراقی، بازسازی کرد. عملیات ساختمانی در سال ۱۳۸۲ قمری آغاز شد

۱. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. کشی، رجال کشی، ص ۸۳.

و در سال ۱۳۸۸ قمری به پایان رسید.<sup>۱</sup>  
 در سال ۲۰۱۲ میلادی هیئت بازسازی استان نجف، تصمیم گرفت تا  
 مرقد میثم را توسعه دهد.<sup>۲</sup>

### ۵. مرقد زید بن علی علیه السلام

در سال ۱۰۵ قمری هشام بن عبدالملک بن مروان به خلافت رسید.  
 این حاکم قسی‌القلب، ظلم و ستم نسبت به بنی‌هاشم را به حد اعلای  
 خود رساند. هنگامی که زید بن علی (پسر امام سجاد علیه السلام) از مدینه به  
 شام، جهت تظلم‌خواهی از حاکمان بنی‌امیه نزد خلیفه رفت و بالاخره  
 توانست با هشام ملاقات کند، پیش از اینکه زید سخنی بر زبان آورد،  
 هشام دشنام‌های زشتی به آن بزرگوار داد و او را از دربار خلافت خویش  
 بیرون راند. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «پس از فحاشی ضربات شدیدی بر  
 او وارد کرد. ایشان به ناچار از شام به کوفه رفت و برای مبارزه با ظلم،  
 به تشکیل نهضتی علیه امویان پرداخت».<sup>۳</sup>

یوسف بن عمر ثقفی (حاکم کوفه) با لشکر بسیاری به مبارزه با آن  
 حضرت برخاست. با توطئه وی، ناگهان تیری از سمت دشمن به پیشانی  
 زید اصابت کرد و شربت شهادت نوشید. یحیی بن زید، به اتفاق جمعی  
 دیگر از شیعیان، بدن زید را محرمانه به بیرون شهر بردند و در وسط نهر  
 دفن نمودند. پس از گذاشتن سنگ قبر، آب را در آن نهر جاری کردند تا  
 دشمنانش محل قبر زید را نیابند.

۱. بحرالعلوم و خامه‌بار، *زیارتگاه‌های عراق*، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. همان.

۳. ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۳، ص ۲۸۷.

جاسوسان حکومتی محل قبر را شناسایی، و به یوسف بن عمر ثقفی گزارش کردند. او دستور داد که نبش قبر نمایند و سر زید را از تن جدا نموده، آن را برای هشام به شام بفرستند. هشام نیز به یوسف بن عمر ثقفی دستور داد که بدن جناب زید بن علی را به دار آویزند. آن ملعون نیز این دستور را اجرا نمود. یعنی در سال ۱۲۱ قمری بدن فرزند پیامبر خدا به دار آویخته شد و تا سال ۱۲۶ قمری که ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان به خلافت رسید، همچنان بالای دار بود. سپس ولید دستور داد استخوان‌های زید را از دار پایین آورده، آتش زدند و خاکسترش را نیز بر باد دادند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

وَلَا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَكَانَ صَدُوقًا وَلَمْ يَدْعُكُمْ إِلَيْهِ  
نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرَّضَى مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ ظَهَرَ لَوْفَى بِمَا دَعَاكُمْ  
إِلَيْهِ.<sup>۲</sup>

نگویید که زید خروج کرد؛ به درستی که زید عالم و راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد. او شما را به امام از آل محمد صلی الله علیه و آله دعوت کرد و اگر پیروز می‌شد، هر آینه به آن وفا می‌کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ أَذِنَ فِي هَلَاكِ بَنِي أُمِّيَّةَ بَعْدَ إِحْرَاقِهِمْ  
زَيْدًا بِسَبْعَةِ أَيَّامٍ»<sup>۳</sup>؛ خداوند عزوجل بعد از سوزاندن بدن زید توسط بنی‌امیه، اذن  
به هلاکت آنان داد.»

۱. سلطان الواعظین، شب‌های پیشاور، ص ۱۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴.

۳. امامی‌فر، چهل گام تا عتبات، ص ۴۳.

### ۶. مرقد خدیجه، دختر حضرت علی علیه السلام

این مرقد در مقابل مسجد کوفه قرار دارد. او همسر پسرعموی خود عبدالرحمان بن عقیل بود و حاصل ازدواج، دو فرزند به نام‌های سعید و عقیل بود. او پس از عبدالرحمان بن عقیل، با فرد دیگری به نام عبدالرحمان بن عبدالله بن عبیدالله بن عامر ازدواج کرد.<sup>۱</sup> مادر خدیجه را ام ولد ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ۷. مرقد سیدابراهیم غمر

سیدابراهیم، فرزند حسن مثنی، پسر امام حسن مجتبی علیه السلام است.<sup>۳</sup> مادر گرام ایشان فاطمه دختر امام حسین علیه السلام است.<sup>۴</sup> او سیدی جلیل‌القدر و بخشنده و از راویان حدیث به شمار می‌آید. در سال ۱۴۵ یا ۱۴۷ یا ۱۴۹ قمری در سن ۶۷ سالگی به دستور منصور دوانیقی به شهادت رسید.<sup>۵</sup>

علت شهرت ابراهیم به غمر را جود و بخشش او ذکر کرده‌اند. ابن عنبه نَسَبه می‌گوید: «و لُقِّبَ الْعَمْرَ لَجُودِهِ» به دلیل بخشش زیادش به غمر ملقب شد.<sup>۶</sup>

۱. زبیری نسب قریش، ص ۴۵ و ۴۶.

۲. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۵؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۶۳.

۳. عبیدلی، تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب، ص ۳۴.

۴. همان.

۵. ابن شدقم، تحفة لب اللباب، ص ۴۷.

۶. ابن عنبه، عمدة الطالب، ص ۱۹۷؛ تحفة لب اللباب، ص ۴۶.

درباره نحوه شهادت ابراهیم چند قول وجود دارد. بنابر قول بعضی ابراهیم در زندان هاشمیه از دنیا رفت.<sup>۱</sup> ابوالفرج اصفهانی می‌گوید: ابراهیم را در صندوقی قرار دادند و زنده دفن کردند.<sup>۲</sup> برخی هم معتقدند او را سوار شتر برهنه و بدون جهاز کردند و بر اثر شدت گرما و تشنگی شهید شد.<sup>۳</sup>

مرقد وی در محله «حی کنده» و سمت مغرب قبر میثم تمار و نزدیک جاده اصلی کوفه به نجف قرار دارد. او جد سادات طباطبایی است.<sup>۴</sup>

#### ۸. نبی یونس (مقام یونس پیامبر ﷺ)

کمتر از دو کیلومتر بعد از مسجد کوفه به سمت آب فرات، زیارتگاهی است که ساکنان محلی آن را «نبی یونس» می‌خوانند. برخی گمان کرده‌اند، آنجا قبر حضرت یونس عليه السلام است؛ لیکن بررسی‌ها نشان می‌دهد که قبر آن حضرت در منطقه نینوا از استان موصل است. مرحوم سیدمهدی قزوینی، که از علمای صاحب نام منطقه بوده است، در اثری به نام «فلک النجاة» ضمن بیان مطالب فوق‌الذکر می‌افزاید:

آنچه نزدیک مسجد بزرگ کوفه به نام آن حضرت وجود دارد، در واقع محلی است که به امر خداوند ماهی او را به خشکی انداخته و

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۷؛ ابن فندق، لباب الانساب، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲. ابن طباطبا، منتقلة الطالبية، ص ۲۶۵.

۳. ابن فوطی، مجمع الآداب، ج ۲، ص ۴۲۸ و ۴۲۹.

۴. العامری، معجم المراقده والمزارات فی العراق، ص ۳۰.

همان جایی است که قرآن می‌فرماید: ﴿فَنَبِّدْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّفْطِينٍ﴾؛<sup>۱</sup> «پس او را به صحرای خشکی افکندیم درحالی که رنجور و ناتوان بود و گیاهی از کدو بر او رویانیدیم».<sup>۲</sup>

## ۹. قبور سبعه (مشهد بنی‌الحسن علیهم‌السلام)

عبدالله بن حسن مثنی بن حسن المجتبی علیه‌السلام را بدان سبب عبدالله محض (خالص) نامیده‌اند که پدرش فرزند امام مجتبی علیه‌السلام و مادرش فاطمه، دختر امام حسین علیه‌السلام بود. او و دو برادرش حسن و ابراهیم و چهار برادرزاده‌اش که هر هفت نفر از اولاد امام مجتبی و امام حسین علیه‌السلام بوده‌اند، در روز عید قربان سال ۱۴۵ قمری در زندان منصور دوانیقی به شهادت رسیدند. گفته می‌شود آنان زنده به گور شدند<sup>۳</sup> و نیز وارد شده که زندان را بر سرشان فرو ریختند و ایشان را به شهادت رساندند.<sup>۴</sup> قبور مطهر این بزرگواران اکنون در محلی به نام هاشمیه، آن سوی پل کوفه و کنار جاده قدیم کوفه به قاسم است.

آورده‌اند که عبدالله محض شباهت زیادی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشت و خوش‌چهره و سخاوتمند بود و تولیت صدقات امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بعد از پدرش بر عهده داشت: «وكان شجاعاً خطيباً شاعراً لسنناً مهاباً وقوراً كريماً»؛

۱. صافات: ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲. به نقل از: حج و زیارت، آرموده‌ها، ج ۱۳، ص ۲۰.

۳. ابن عنبه، عمدة الطالب، ص ۸۰.

۴. حرزالدین، مرآة المعارف، ج ۲، ص ۱۵.

«او شجاع، سخنور، شاعر، زباندار، باآبتهت و باوقار و بزرگوار بوده است.»  
 هنگامی که منصور در سال ۱۴۴ قمری حج گزارد، به ریاح بن عثمان، استاندارش در مدینه فرمان داد تا بنی‌الحسن را به ریزه تبعید کنند. او نیز آنان را با شانه‌های بسته و گردن و پا در زنجیر، سوار بر مرکب‌های خشن و بدون جهاز به تبعیدگاه روانه ساخت. هنگام خروج ایشان از مدینه، امام صادق علیه السلام از موضعی پوشیده - که مردم و جاسوسان او را نبینند - با اندوه فراوان بدیشان می‌نگریست و درحالی‌که از شدت گریه اشک بر محاسن شریفش جاری بود، خدا را می‌خواند و می‌فرمود: «وَاللَّهِ لَا تُحْفَظُ لِلَّهِ حُرْمَةٌ بَعْدَهُ هُوَ لَاءٍ»؛ «به خدا سوگند پس از اینان حرمتی برای خدا نگه داشته نخواهد شد».

برخورد کینه‌توزانه منصور به همین اندازه خاتمه نیافت. بار دیگر آنان را به عراق تبعید کرد و دستور داد تا در زندان هاشمیه (نزدیک کوفه) در یک زیرزمین نمناک که تشخیص شب و روز در آن امکان نداشت، به مدت دو ماه محبوس کردند. آن‌گاه فرمان قتل ایشان را صادر کرد.<sup>۱</sup>

## سایر اماکن کوفه

### ۱. خانه امام علی علیه السلام

نزدیک مسجد کوفه خانه‌ای قرار دارد که به خانه امام علی علیه السلام مشهور است. این خانه از قسمت‌هایی تشکیل شده است؛ از جمله هنگام ورود به خانه، دست راست، اتاقی منسوب به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۳۰؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۳۷۴.



و کنار آن نیز محل غسل دادن امیرالمؤمنین علیه السلام است. در جانب چپ اتاقی است که مکتبخانه امام حسن و امام حسین علیهما السلام بوده و اتاقی منسوب به ام البنین علیها السلام است. در انتها نیز چاه آبی است که از آب آن تبرک می جویند.

درباره استناد این خانه به امیرالمؤمنین علیه السلام باید گفت: اگر چه امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود نزدیک به چهار سال در کوفه زندگی کردند، اما محل دقیق زندگی حضرت در این شهر معلوم نیست. بر اساس قرائن محل سکونت آن حضرت در کاخ کوفه نبوده.<sup>۱</sup> اما اینکه بیرون از کاخ دارالاماره در کدام منطقه کوفه سکونت داشته اطلاع دقیقی در دست نیست؛ زیرا حضرت علی علیه السلام هنگام ورود به شهر کوفه در خانه خواهرزاده خود جعدة بن هبیره مخزومی منزل کرد. اصبح بن نباته روایت می کند:

أَنَّ عَلِيًّا لَمَّا دَخَلَ الْكُوفَةَ قِيلَ لَهُ أَيُّ الْقَصْرِينِ نُنْزِلُكَ قَالَ «قَصْرَ الْحُبَالِ لَا تُنْزَلُونِيهِ» فَنَزَلَ عَلَى جَعْدَةَ بْنِ هُبَيْرَةَ الْمُخْزُومِي.<sup>۲</sup>

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام وارد کوفه شد، از حضرت سؤال کردند در کدام یک از قصرها منزل می گزینی؟! حضرت فرمود: «در قصر فساد مرا پیاده نکنید». سپس حضرت بر جعدة بن هبیره مخزومی<sup>۳</sup> وارد شد.

۱. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، ص ۵.

۲. همان.

۳. جعدة بن هبیره بن ابي وهب بن عمرو بن عابد بن عمران بن مخزوم، مادرش أم هانی بنت ابي طالب است. با علی علیه السلام در صفین حاضر بود و امتحان زیبایی داد. علی علیه السلام او را به استانداری خراسان منصوب کرد. او مردی فقیه بود و در زمان معاویه از دنیا رفت. (وقعة صفین، ص ۵).

همچنین از روایات استفاده می‌شود هنگام شهادت هم حضرت در این خانه زندگی می‌کردند؛ زیرا هنگام شهادت به فرزند خود امام مجتبیٰ علیه السلام وصیت کرد:

أَنْ يَخْفَرَ لَهُ أَرْبَعَةَ قُبُورٍ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ فِي الْمَسْجِدِ وَفِي الرَّحْبَةِ وَفِي الْعُرِيِّ وَفِي دَارِ جَعْدَةَ بْنِ هُبَيْرَةَ وَإِنَّمَا أَرَادَ بِهَذَا أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مِنْ أَعْدَائِهِ مَوْضِعَ قَبْرِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.<sup>۱</sup>

برای او چهار قبر مشخص کند: در مسجد کوفه، در قصر دارالاماره، در نجف و در خانه جعدۀ بن هبیره. قصد حضرت از این عمل این بود که کسی محل قبر ایشان را نداند.

از این روایت شاید بتوان استفاده کرد که حضرت وصیت کرد صورت قبری در خانه خودش هم ترتیب داده شود تا دشمنان تصور کنند که حضرت در خانه خودش مدفون است و نتوانند قبر اصلی را پیدا کنند.

اما خانه‌ای که امروز به خانه امام علی علیه السلام شهرت پیدا کرده هیچ دلیلی و شاهدی وجود ندارد که همان خانه جعدۀ بن هبیره و محل سکونت علی علیه السلام بوده باشد. اما با فرض قبول انتساب این خانه به علی علیه السلام تقسیمات موجود در این خانه قابل پذیرش نیست و یک تقسیم جعلی، بی‌اساس و کذب است؛ زیرا در زمان خلافت علی علیه السلام در کوفه امام حسن و امام حسین علیه السلام حداقل ۳۵ و ۳۶ ساله بودند. برای چنین سنی، داشتن مکتبخانه، که خود آموزش ببینند، بی‌اساس است. علاوه بر

اینها امام حسن و امام حسین علیهما السلام در کودکی هیچ استاد و مکتبخانه‌ای نداشتند؛ چگونه در سن میانسالی مکتبخانه داشته باشند؟! همچنین داشتن مکتبخانه برای آموزش دیگران هم در آن فضای کوچک و در محیط رفت و آمد و حضور خانواده امام علیه السلام غیر قابل تصور است. به علاوه در آن سن، امام حسن و امام حسین علیهما السلام دارای همسر و فرزند بودند؛ چگونه در آن خانه کوچک زندگی می‌کردند؟! اما اگر منظور از مکتبه دفتر کار باشد این امر هم بعید و غیر منطقی به نظر می‌رسد که دفتر کار کسی میان فضای سکونت خانواده‌اش باشد.

اما نمازهایی که برای مکان‌های مختلف این خانه ذکر شده یقیناً بی‌اساس است و هیچ ریشه شرعی ندارد. علاوه بر همه اینها، اکثر اوقات حضور در این مکان و ایستادن برای نماز باعث تداخل و تماس زن و مرد با یکدیگر می‌شود که یقیناً حرام است.

## ۲. دارالاماره کوفه

سعد بن ابی وقاص، نخستین حاکم کوفه، در سال ۱۷ قمری قصری در کنار مسجد احداث کرد که قطر برج‌های آن ۳×۵ متر بود. از آن پس حاکمان کوفه در این قصر ساکن شدند؛ امروزه پایه‌های مخروبه دارالاماره در نزدیکی خانه منسوب امام علی علیه السلام دیده می‌شود.

بنای دارالاماره به صورت مربع با ضلع‌های ۱۱۰×۱۱۰ متر و شاهد ماجراهای فراوان و پندپذیر بوده است.<sup>۱</sup> نقل است روزی سر مصعب بن

۱. قائدان، عتبات عالیات عراق، ص ۹۲.



زبیر را مقابل عبدالملک مروان در قصر کوفه قرار دادند. ابی‌مسلم نخعی به عبدالملک گفت: مغرور پیروزی نشو، در این قصر عجایی دیدم. روزی سر حسین بن علی علیه السلام را برای ابن زیاد آوردند و مقابل او قرار دادند. مدتی گذشت سر ابن زیاد را مقابل مختار در این قصر حاضر کردند. طولی نکشید سر مختار را در برابر مصعب بن زبیر قرار دادند و امروز سر مصعب را برای تو آورده‌اند. بترس از آن روزی که سر تو را مقابل دیگری قرار دهند. عبدالملک متأثر شد و دستور داد تالار قصر را خراب کنند.<sup>۱</sup>

نادره‌پیری ز عرب هوشمند      گفت به عبدالملک از روی پند  
 زیر همین قبه و این بارگاه      روی همین مسند و این جایگاه  
 بودم و دیدم بر ابن زیاد      آه چه دیدم که دو چشم مباد  
 بر طبقی چون سپر آسمان      بود چو خورشید سری خون‌چکان  
 سر که هزارش سر و افسر فدا      صاحب دستار رسول خدا  
 بعد ز چندی سر آن خیره سر      بد بر مختار به روی سپر  
 بعد که مصعب سر و سردار شد      دستخوش وی سر مختار شد  
 این سر مصعب به مجازات کار      تا چه کند با تو دگر روزگار  
 آه که یک دیده بیدار نیست      هیچ کس از بعد خبردار نیست  
 مات همینم که در این بندوبست      این چه طلسمی است که نتوان شکست<sup>۲</sup>

۱. موسوی کاشانی، بر امام سجاد و امام باقر علیه السلام چه گذشت، ص ۴۵.

۲. تفرشی، محمد صادق، مثنوی آتشکده. او از شاعران قرن دوازدهم بوده و با نام صادق تخلص

می‌کرده. دیوان او در کتابخانه ملی با شماره: ۱۱۹۶۷۷۰ قابل بازیابی است.

## منابع

قرآن كريم.

١. ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، شرح نهج البلاغة، چاپ اول، بيروت، دار احياء الكتب العربية، ١٤٠٧ق.
٢. ابن اثير، على بن محمد، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق.
٣. \_\_\_\_\_، الكامل في التاريخ، بيروت، دار صادر و دار بيروت، ١٣٨٥ق.
٤. ابن أعثم كوفى، محمد بن على، الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الأضواء، ١٤١١ق.
٥. ابن جبیر، محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر، بيروت، دار مكتبة الهلال، ١٩٨٦م.
٦. ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، المنتظم في تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت،

دار الكتب العلمية، ١٤١٢ق.

٧. ابن حجر عسقلاني، احمد بن على، تهذيب التهذيب، به كوشش مصطفى، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق.

٨. \_\_\_\_\_، الاصابة في تمييز الصحابة، دارالكتب العلميّة، بيروت، بي.تا.

٩. ابن حيون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، چاپ اول، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٩ق.

١٠. ابن خلدون، عبدالرحمان بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروين گنابادي، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، ١٣٧٥ش.

١١. ابن شدقم، ضامن، تحفة لب اللباب في ذكر نسب السادة الانجاء، محقق مهدي رجائي، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٣٧٦ش.

١٢. ابن شعبه حراني، حسن بن على، تحف العقول، مصحح على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٤، ١٣٦٣ق

١٣. ابن شهر آشوب، محمد بن على، معالم العلماء، مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٣٩٠ش.

١٤. ابن طاووس، على بن موسى، مصباح الزائر، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٦ق.

١٥. ابن عنبه، احمد بن على، عمدة الطالب في انساب آل ابى طالب، نجف، دار الندلس، ١٩٨٨م.

١٦. ابن قتيبه دينورى، احمد بن داوود، الاخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم

- عامر، قاهره، چاپ اول، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰م.
۱۷. \_\_\_\_\_، **الاخبار الطوال**، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، **کامل الزیارات**، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویه، ۱۳۵۶ش.
۱۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البداية و النهاية في التاريخ**، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۲۰. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، **المزار الكبير**، محقق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۲۱. ابو مخنف، لوط بن یحیی، **وقعة الطف**، مصحح محمد هادی، یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، **مقاتل الطالبین**، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی صدوق، بی تا.
۲۳. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمة**، ترجمه و شرح علی زواره‌ای، مصحح ابراهیم میانجی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲هـ. ش.
۲۴. امامی فر، جعفر، **چهل گام تا عتبات**، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ش.
۲۵. امین، سیدمحسن، **اعیان الشيعة**، تحقیق، حسن الامین، بیروت دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۲۶. براقی نجفی، سیدحسین، **تاریخ الكوفة**، ترجمه سعید رادرحیمی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷قمری.
۲۷. بلاذری، احمد بن یحیی، **جمل من أنساب الأشراف**، تحقیق سهیل

- زكار و رياض زركلى، با اشراف مكتب البحوث والدراسات، بيروت، دار الفكر، ١٤١٧ق.
٢٨. تفرشى، محمد صادق، **مثنوى آتشكده**، كتابخانه ملى با شماره: ١١٩٦٧٧.
٢٩. تقى كوفى، ابراهيم بن محمد، **الغارات**، تحقيق السيدجلال الدين المحدث، طهران، سلسلة انتشارات انجمن آثار ملى، بى تا.
٣٠. الجبورى، كامل سلمان، **تاريخ الكوفة**، نجف اشرف، بى تا، ١٤٣٥ق.
٣١. جزايرى، نعمت الله بن عبدالله، **النور المبين فى قصص الأنبياء و المرسلين (قصص قرآن)**، به ضميمه زندگانی چهارده معصوم عليهم السلام، مصحح احمد سياح، مترجم فاطمه مشايخ، تهران، ١٣٨١ق.
٣٢. جعفرى، محمد حسين، **تشيع در مسير تاريخ**، محقق محمد تقى آيت اللهى، ١٣٨٢ش.
٣٣. جوادى آملی، عبدالله، **تفسير موضوعى قرآن كريم**، قم، نشر اسراء، ١٣٩١ش.
٣٤. حر عاملی، محمد حسن، **وسايل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة**، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٩ق.
٣٥. حرز الدين، محمد حسين، **مراقد المعارف**، چاپ اول، منشورات سعيد بن جبیر، ١٣٧١هـ ش.
٣٦. حميرى، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤١٣ق.
٣٧. خصيبى، حسين بن حمدان، **الهداية الكبرى**، ناشر البلاغ، بيروت،



۱۴۱۹ق.

۳۸. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸ق.
۳۹. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة، ۱۳۷۲ش.
۴۰. دوانی، علی، مفاخر اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۴۱. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، چاپ هفتم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۰.
۴۲. رجبی، محمد حسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۸ش.
۴۳. ساجدی، «بررسی فقهی و حدیثی اعمال مسجد کوفه و سهله»، فصلنامه فرهنگ زیارت، تهران، مشعر، ش ۳۲، سال ۱۳۹۶ش.
۴۴. سلطان الواعظین شیرازی، محمد، شب های پیشاور، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵ش.
۴۵. سیدقطب، فی ظلال القرآن. چاپ سی و پنجم، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۴۶. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، قم، رضی، ۱۳۶۳هـ.ش.
۴۷. شهید اول، محمد بن مکی، المزار، محقق مدرسه امام مهدی علیه السلام، محمد باقر، موحد ابطحی اصفهانی، ناشر مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۱۰ق.
۴۸. شیخ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی،

۱۳۷۶ هـ. ش.

۴۹. \_\_\_\_\_ ، من لایحضره الفقیه، تحقیق السیدحسن خراسان، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.

۵۰. صدر، حاج سیدجوادی و دیگران، دائرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ ش.

۵۱. طباطبائی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.

۵۲. طباطبائی، سیدمحمد، ملاقات علمای بزرگ اسلام با امام زمان، قم، شمیم گل نرگس، ۱۳۸۵ ش.

۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری و محمد مفتح، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۵۲ ش.

۵۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۱ ق.

۵۵. \_\_\_\_\_ ، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ قمری.

۵۶. طبسی، محمد محسن، «ادریس پیامبر علیّه السلام»، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۳۷، فروردین ۱۳۷۹ ش.

۵۷. طریحی، محمدسعید، العتبات المقدسه فی الکوفه، بیروت، دارالکتب للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق، ۱۹۸۶ م.

۵۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، مصحح حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۵۹. \_\_\_\_\_، مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعه، ۱۴۱۱ق.
۶۰. العامري، ثامر عبدالحسين، معجم المراقّد والمزارات فى العراق، عراق، بى جا، بى تا.
۶۱. عضد الملك، سفرنامه عضد الملك به عتبات، تصحيح حسن مرسلوند (فارسي)، طهران، مؤسسة پژوهش و مطالعات فرهنگي، بى تا.
۶۲. عياشى، مسعود بن عياش، تفسير العياشى، تهران، مكتبه علميه، ۱۳۸۰.
۶۳. فقيه بحرالعلوم، محمدمهدى، و خامه يار، احمد، زيارتگاه هاى عراق (معرفى زيارتگاه هاى مشهور در کشور عراق)، تهران، مشعر، ۱۳۹۵ش.
۶۴. قائدان، اصغر، عتبات عاليات عراق، چاپ چهارم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۶۵. كشى، محمدين عمر بن عبدالعزيز، اختيار معرفة الرجال (رجال كشى)، مصحح حسن مصطفوى، مشهد، دانشگاه مشهد، دانشكده الهيات و معارف اسلامي، مركز تحقيقات و مطالعات، ۱۳۴۸ش.
۶۶. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش.
۶۷. گلى زواره، غلامرضا، سيمای كوفه، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان تبليغات اسلامي، ۱۳۷۳ش.
۶۸. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، ملاذ الأختيار فى فهم تهذيب الأخبار، مصحح مهدى رجائى، قم، كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۶ق.

۶۹. \_\_\_\_\_ ، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۰. \_\_\_\_\_ ، زاد المعاد - مفتاح الجنان، محقق: علاءالدین اعلمی، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۷۱. \_\_\_\_\_ ، مرآة العقول، به کوشش رسولی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۷۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق و تعلیقه سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۷۳. مسلمی، محمد حسین بن علی، تاریخ النجف الأشرف، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵.
۷۴. مشهدی حائری، محمد جعفر فضل، الکوفة ومساجدها، تحقیق محمد سعید طریحی، بیروت، دارالمرتضی، بی تا.
۷۵. مصعب بن عبدالله، نسب قریش، مصر، دارالمعارف، ۱۹۹۹م.
۷۶. معاونت امور روحانیون حج، آزمودهها، تهران، مشعر، ۱۳۹۵ش.
۷۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۸. \_\_\_\_\_ ، کتاب المزار (مناسک المزار)، تحقیق: محمدباقر ابطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۹. مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران، آگه، ۱۳۷۴ش.
۸۰. مقرر، سید عبدالرزاق، مسلم بن عقیل، ترجمه حسن طارمی، تهران،

بنیاد فرهنگی کلینی، ۱۴۰۶ق.

۸۱. موسوی بجنوردی، محمدکاظم، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران،

مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۵ (مدخل ابراهیم خلیل)

۸۲. موسوی کاشانی، سیدمحمد حسین، بر امام سجاد و امام باقر علیهما السلام چه

گذشت، قم، مولف، ۱۳۷۳ش.

۸۳. میدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، مترجم علی اصغر

حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.

۸۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی

التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۳۶۵ش.

۸۵. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم،

مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.

۸۶. نوری، محمدحسین، نجم الثاقب، بی تا.

۸۷. نهاوندی، علی اکبر، عبقری الحسان بشارت ظهور امام مهدی علیه السلام در

ادیان الهی و کتب انبیاء در احوالات الامام الحجة ابن الحسن

المهدی...، پیام مقدس، ۱۳۸۴ش.